

## اصل تعامل سازنده در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی برنامه توسعه چهارم)

حسین سیپوشی<sup>۱</sup>

صمد ولدی<sup>۲</sup>

موسی محمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

کشورها بر اساس برداشت و تصویری که از هم دارند به تنظیم مناسبات و برقراری روابط اقدام می‌کنند. در واقع تلقی کشورها از یکدیگر حتی بیش از واقعیت‌ها اهمیت دارد. لذا پیشبرد برنامه سیاست خارجی مستلزم تصویرپردازی مثبت از کشور در نظام بین‌الملل است. دولت‌ها در مسیر توسعه‌ی خود مولفه‌ها و حوزه‌های «رقابت» و «تعامل» بین‌المللی را تعریف کرده و برای پیشبرد راهبردها و برنامه‌های مربوطه، طرح‌های کلان‌پانزده تا سی ساله را اعلام می‌نمایند. این برنامه‌های کلان هم اهداف مسیر توسعه آنها را مشخص می‌نماید و هم یکی از معیارهای اساسی درونی برای سنجش عملکرد دولت‌ها مربوطه می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، قوانین توسعه چهارم، در این قالب شکل گرفته است. طبق سند چشم‌انداز، ایران باید در افق ۱۴۰۴ هجری قدرت اول منطقه‌ای باشد و این هدف باید در «تعامل سازنده با دنیا» تامین شود.

حال جای طرح این مسئله بطور جدی وجود دارد که چرا به رغم وجود قوانین فرادستی و حکم چشم‌انداز ۲۰ ساله و قوانین مبنی بر ضرورت تعامل سازنده، ما در دولتهای مختلف ایران شاهد الگوهای رفتاری متفاوت هستیم؟ سه دولت خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز سه رویکرد متفاوت و متناسب با آن سه رویکرد خارجی متفاوت از خود نشان داده‌اند؟ آیا اصل «تعامل سازنده» در قوانین فرادستی خوب تعریف نشده است و یا در اجرا پابندی لازم به آن قوانین وجود ندارد؟

واژگان کلیدی: تعامل سازنده، سیاست خارجی ج ۱۱، برنامه توسعه چهارم

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی: hossein4078@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی: samadvaladi@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی: mohammadimosa766@gmail.com

## مقدمه

سیاست دولت‌ها اصولاً یا به امور داخلی مربوط می‌شود یا به امور بین‌المللی؛ اصطلاح سیاست خارجی در مقابل امور داخلی به کار می‌رود. در خصوص سیاست خارجی به تعریف‌های زیادی بر می‌خوریم، بدون این که این تعریف‌ها تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند و تقریباً همه‌ی آن‌ها به یک مفهوم اشاره دارند. اما از میان آن‌ها تعریف زیر کاملتر و روشن‌تر به نظر می‌رسد: «سیاست خارجی» عبارت است از: خط‌مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و [تعقیب و تحصیل] منافع خود اتخاذ می‌کند (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۱). دکتر قوام در کتاب اصول سیاست خارجی (۱۳۸۸) معتقد است «جهتی را که یک دولت بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی، سیاست خارجی می‌گویند» (قوام، ۱۳۸۸: ۱۰۲). در مجموع، سیاست خارجی استراتژی و اهداف یک کشور در واکنش به مسائل بین‌المللی را شامل می‌شود. از این رو سیاست خارجی ایران نیز به تبع از استراتژی‌ها و اهداف کلانی برخوردار است. در این راستا سند چشم‌انداز بیست‌ساله اهداف و برنامه‌های کلان سیاست خارجی را مشخص کرده است و در قالب برنامه‌های پنج‌ساله به دستگاه دیپلماسی کشور ابلاغ می‌شود. برنامه چهارم توسعه کشور که سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ را در بر می‌گیرد اهداف و خط‌مشی‌هایی را برای سیاست خارجی ایران تعیین کرده بود که دستگاه سیاست خارجی ملزم به برآورده کردن این اهداف بوده است. تحقیق حاضر در تلاش است تا به ارزیابی تحقق اهداف مدنظر برنامه با توجه به عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور بپردازد.

## روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌های مطالعاتی در این تحقیق کتابخانه‌ای بوده است. منابع کتابخانه‌ای برای تحلیل کیفی شامل کتابها (فارسی و لاتین)، مجلات (فارسی و لاتین)، و منابع اینترنتی بوده‌اند.

#### چهارچوب نظری تحقیق :

به طور کلی ارزیابی‌ها و برآوردهای مختلف و حتی متعارضی از وضعیت روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است. عده‌ای از پژوهشگران از منظر نظریه رئالیسم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ناکام دانسته‌اند. آنها با ملاک قرار دادن منافع ملی مادی و قدرت سخت افزاری معتقدند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی توفیق چندانی در تحقق و تامین این اهداف و منافع نداشته است. در مقابل برخی دیگر که از دیدگاه ایدئولوژیک به مسئله نگرینسته‌اند، آن را موفق و مطلوب ارزیابی کرده‌اند. به نظر آنان سیاست خارجی جمهوری اسلامی در انجام وظیفه و عمل به تکلیف در چارچوب اصول و آرمانهای انقلاب موفق بوده است. گروه سوم برخلاف این دو رهیافت خوش بینانه و بدبینانه، سیاست خارجی ایران را ترکیبی از موفقیت و شکست ارزیابی کرده‌اند.

این رویکردهای متفاوت و متعارض ناشی از مشکلات و محدودیت‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در ارزیابی دقیق و آکادمیک وضعیت روابط خارجی جمهوری اسلامی است. از آنجا که سیاست خارجی ایران دارای اهداف بلند مدت و میان مدت است نمی‌توان در مورد نتیجه نهایی و کوتاه مدت آن قضاوت علمی کرد. چه بسا موضوعی که عملکرد سیاست خارجی در آن موفق ارزیابی شود، در آینده آشکار شود که پیامدها و تأثیرات منفی بر منافع ملی کشور داشته است. برعکس این مورد نیز امکان پذیر است. علاوه بر این سیاست خارجی دارای اهداف متنوع و متعددی است، به گونه‌ای که احتمال دارد کشور در تامین برخی از این اهداف موفق عمل کند و در حصول برخی دیگر ناکام بماند. مهمتر اینکه انتخاب معیار و ملاک عینی برای ارزیابی موفقیت و شکست سیاست خارجی در ارتباط با سایر کشورها به سادگی مقدور نیست، زیرا معیارها و شاخص‌های واحد و مورد اتفاق نظر همگان وجود ندارد و حتی در صورت وجود چنین ملاک‌ها و معیارهایی به علت زمانمندی و مکانمندی مطالعات و تعامل ارزش و واقعیت، دآوری نهایی توسط پژوهشگر و احتمالاً جانبدارانه صورت می‌پذیرد. بر همین مبنا، ما در ادامه به برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاست خارجی ایران که مورد تاکید اصول برنامه نیز می‌باشد اشاره کرده و در نهایت بر مبنای آن به ارزیابی عملکرد سیاست خارجی ایران خواهیم پرداخت.

#### پیوند سیاست خارجی و توسعه اقتصادی

برخلاف گذشته - سال‌های دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ - که کشورها آزاد بودند استراتژی‌های توسعه اقتصادی خود را بدون ارتباط با اقتصاد بین‌الملل و براساس یک نگرش درون‌گرا آماده و پیگیری نمایند، در عصر جهانی شدن چنین امکانی برای کشورها فراهم نیست و می‌توان گفت که مسیر توسعه اقتصادی از جاده اقتصاد جهانی می‌گذرد و اساساً رویکرد درون‌گرا در عرصه اقتصاد، به توسعه اقتصادی نخواهد انجامید. این تجربه‌ای است که بدون استثنا همه کشورهای در حال توسعه موفق مانند چین، کره جنوبی، مالزی، اندونزی، ترکیه و... در دهه‌های اخیر اقبال آن را گواهی کرده‌اند. (جوادی ارجمند، ۱۳۸۵: ۴۳)

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پافشاری مقام معظم رهبری بر اجرای آن و همچنین تصویب لایحه قانونی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، به‌همراه فعال شدن سازمان خصوصی‌سازی حاکی از تصمیم جمهوری اسلامی ایران بر دگرگونی اساسی در رویکرد اقتصادی به‌سوی یک برنامه توسعه برون‌گرا است. اجرای درست و توفیق چنین سیاستی که می‌تواند دگردیدی اساسی در نظام اقتصادی، اداری، اجتماعی و حتی سیاسی کشور پدید آورد، دست کم از دو جنبه بایسته توجه به عرصه بین‌الملل است. در وهله نخست، درک تجارب بین‌المللی توسعه در پانزده سال اخیر که همراه با مراد و نامرادی برای کشورهای مختلف بوده است، می‌تواند درس‌های فراوانی برای فرآیند توسعه ایران در بر داشته باشد. در وهله دوم، به نظر می‌رسد توسعه در ایران اساساً فرآیندی داخلی و دور از عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی در نظر گرفته شده است؛ درحالی‌که تجارب کشورهای مختلف نشان داده است که همزمان با درپیش‌گیری و اجرای برنامه‌های توسعه، لازم است دیپلماسی اقتصادی به‌گونه‌ای هماهنگ با دگرگونی اقتصادی داخلی دگر شود و در تعامل با نظام بین‌الملل زمینه توفیق توسعه برون‌گرا و عناصر آن از جمله (خصوصی‌سازی) را فراهم کند. به‌زبانی دیگر، دیپلماسی اقتصادی کشور باید در مسیر توسعه برون‌گرا و تقویت نظام بازار آزاد گام برداشته و با کاهش تنش‌های خارجی و ایجاد شرایط امن و ایمن از راه تعامل سازنده با نظام بین‌الملل زمینه اقبال خصوصی‌سازی و تقویت نیروهای بازار را فراهم آورد. از آنجا که هماهنگی میان دیپلماسی اقتصادی و نظام بین‌الملل از جمله شرط‌های بنیادین تجارب موفق توسعه در جهان بوده است، به ثمر نشستن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در گرو در پیش گرفتن یک سیاست خارجی توسعه‌گرا براساس تنش‌زدایی و تعامل سازنده با نظام بین‌الملل است. (اکبری، ۱۳۸۵: ۳۲).

لذا بایسته‌های اقتصاد جهانی از یک سو و ضرورت پیوند عناصر اقتصادی ملی با اقتصاد بین‌الملل از دیگر سو ایجاب می‌کند که سیاست خارجی در عصر جهانی شدن در خدمت اهداف توسعه اقتصادی قرار گیرد. به عبارتی دیگر، سیاست خارجی کشور باید به گونه‌ای سامان یابد که در کنار تعامل سازنده با نظام بین‌الملل در سطح دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین در سطح سازمان‌های بین‌المللی، بتواند منابع، امکانات و فرصت‌ها و ثبات محیط خارجی کشور را برای فرآیند توسعه اقتصادی بسیج و تجهیز کند و از این نظر هماهنگی و همسویی کاملی میان سیاست خارجی و بایسته‌های توسعه اقتصادی برقرار شود. سیاست خارجی ابزاری برای تقویت اقتدار و جایگاه کشور در نظام بین‌الملل است. اکنون که عنصر اصلی اقتدار در عصر جهانی شدن متکی به عوامل اقتصادی، علمی و فناوریانه است، نیروی سیاست خارجی باید به گونه‌ای سامان یابد که بتواند از این عناصر اقتدار برای توسعه ملی بهره‌گیری کند.

توسعه ملی، هم زاینده روابط سنجیده و بخردانه در حوزه سیاست خارجی است و هم زمینه‌های تصمیم‌گیری داهیهانه در مناسبات بیرونی را فراهم می‌کند. افزون‌تر آن که از رهگذر این فرآیند است که زمینه‌های شکل‌گیری یک دولت کارآمد که توانا به نقش‌آفرینی ایجابی و مؤثر در معادلات و مناسبات خارجی باشد، تحقق می‌یابد و از این راه کشور به توانمندی بیشتری در حوزه فراهم‌سازی امنیت ملی دست پیدا می‌کند.

# چارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بر اساس درک همین شرایط و با نگاه به توسعه به منزله یک ضرورت و نه انتخاب است که جمهوری اسلامی دست به تدوین و تصویب سند «چشم‌انداز بیست ساله» زده است. در واقع «چشم‌انداز» و «برنامه های توسعه» سندهای هستند که مسیر گذار کشور از وضع موجود - به‌عنوان کشوری در حال توسعه - به وضع مطلوب - یعنی کشوری توسعه یافته - را ترسیم می‌کند.

## راهبرد تعامل سازنده

محورهای راهبردی گفته‌شده نشان می‌دهد که سند چشم‌انداز بیست ساله در صدد دستیابی به توسعه ملی پایدار در یک افق بلندمدت و در تعامل با نظام بین‌الملل است. به بیان دیگر، در سند چشم‌انداز، توسعه اقتصادی برون‌گرا که در تعامل با اقتصاد جهانی است شکل می‌گیرد و این از ضروریات و بایسته‌های اساسی در نیل به توسعه ملی، بازسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و در آخر شکل‌گیری دولت مقتدر ملی تلقی می‌شود. (متقی، ۱۳۸۹: ۵۴).

در واقع، نخبگان فکری و ابزاری جمهوری اسلامی ایران به این جمع‌بندی کلان در قالب سند چشم‌انداز، برنامه های توسعه و... دست یافته‌اند که پیگیری اهداف ملی و رشد بخشیدن به جایگاه کشور در سلسله مراتب بازیگران در عرصه بین‌المللی، جز با ارائه تصویری از کشور به‌عنوان جزئی از پیکره جهانی، امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، از مهم‌ترین اهداف ملی مطرح در میان نخبگان، گرایش به بازسازی روابط قدرت در عرصه بین‌المللی (در گام اول در عرصه منطقه و نیل به سوی جایگاه نخست) است. پیگیری این دو در ترکیب با یکدیگر، همان گونه که منطق سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد، جز در پرتو در پیش گرفتن تعامل سازنده، ممکن و کارا نخواهد بود. در پیش‌گیری این استراتژی مانند هر استراتژی دیگری فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کشور به همراه دارد. مهم‌ترین محدودیت آن، پیگیری اهداف ملی در چهارچوب قواعد و هنجارهای نظم موجود بین‌المللی و نیز دستیابی به دگرگونی‌های مورد نظر در قالب قواعد این نظم است. به عبارت دیگر، کشور در اتخاذ این استراتژی، قواعد بازی بین‌المللی را می‌پذیرد و دگرگونی مورد نظر خود را در پرتو رویکرد جمعی و با اتکا به قواعد و هنجارهای بازی پیگیری می‌کند. اما مهم‌ترین بهره‌مندی زاینده از کاربرد این استراتژی، تصویرسازی اهداف ملی در قالب «فرصت جمعی» است. القای این تصویر سبب خواهد شد نخست، نگرانی سایر بازیگران از پیگیری اهداف ملی و مهم‌ترین آن یعنی افزودن جایگاه کشور به کمیته ممکن کاهش یابد و دوم، به همکاری آنها در فراهم ساختن این اهداف بینجامد. (رضایی، ۱۳۹۳: ۲۸)

همکاری بین‌المللی در تأمین اهداف ملی از آن رو اهمیت دارد که در وضعیت کنونی، از یک سو اساساً پیگیری این اهداف بدون بهره‌مندی از منابع بین‌المللی، امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، این همکاری سبب کاهش چشمگیر هزینه رسیدن به این اهداف خواهد شد. بر این اساس، باید گفت که استراتژی سیاست خارجی چشم‌انداز بر اساس «تعامل سازنده» می‌باشد و با توجه به دو گزاره داخلی: نیازهای اقتصادی - اجتماعی (توسعه همه‌جانبه) و وضعیت

# چارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جغرافیایی (کد ژئوپلیتیک)؛ و دو متغیر خارجی: ساخت نظام بین‌الملل (شیوه توزیع قدرت و هنجارها) و وجود تهدید و خطر، شکل می‌گیرد.

به عبارت دیگر در زمان حاضر، استراتژی‌هایی در عرصه عمل به موفقیت نائل می‌شوند که شرایط تحقق آنها فراهم آمده باشند یا به عبارتی دیگر «الزامات خویش» را به شیوه درستی محقق کرده باشند و گرنه استراتژی‌های بدون زمینه‌های سازنده یا آنهایی که شرایط و الزامات را نیمه و ناتمام اجرا کرده باشند در راه رسیدن به هدف با مشکلات جدی مواجه خواهند شد.

## بررسی و تطبیق سیاست خارجی ایران با برنامه چهارم توسعه

برنامه چهارم توسعه کشور که سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ را در بر می‌گیرد اهداف و خط‌مشی‌هایی را برای سیاست خارجی ایران تعیین کرده بود که دستگاه سیاست خارجی ملزم به برآورده کردن این اهداف بوده است. تحقیق حاضر در تلاش است تا به ارزیابی تحقق اهداف مدنظر برنامه با توجه به عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور بپردازد.

برای دستیابی به میزان تحقق سیاست خارجی در اهداف چشم‌انداز در ابتدا به شاخص‌سازی مولفه‌ها و پارامترهای مورد نظر برنامه کلی کشور اقدام و در نهایت با استفاده از آن به ارزیابی سیاست خارجی ایران پرداخته شده است. بدون شاخص‌های معین و تعریف شده مبنایی برای داوری بی‌طرفانه و قابل اعتماد وجود نخواهد داشت. بنابراین نخستین گام برای سنجش میزان کامیابی و ناکامی سیاست خارجی، تعیین ملاک‌ها و معیارهای ارزیابی است. (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲۱)

به همین راستا این پژوهش به منظور فائق آمدن بر این خلا مطالعاتی در صدد است تا برای ارزیابی میزان تحقق سیاست‌های کلی نظام در عرصه سیاست خارجی در برنامه چهارم توسعه چارچوب نظری و مفهومی ارائه دهد و بر پایه آن به ارزیابی روابط خارجی ایران با کشورهای جهان به تفکیک سال‌های این برنامه بپردازد. بر این اساس و با توجه به این که مبنای اصلی پژوهش ما بر اساس سیاست‌های کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مندرج در اصول ۲۸ تا ۳۳ برنامه چهارم توسعه است، معیارها و ملاک‌های مورد نظر نیز با توجه به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و همچنین برنامه چهارم توسعه استخراج شده است.

**مهم‌ترین شاخص های ارزیابی :**

**الف): اصل ۲۸ برنامه چهارم (دیپلماسی سیاسی: تأمین ثبات سیاسی و منافع ملی)**

**ب): اصل ۲۹ برنامه چهارم (دیپلماسی اقتصادی)**

**ج): اصول ۳۰ و ۳۱ برنامه چهارم (دیپلماسی فرهنگی)**

**ارزیابی کیفی میزان تحقق اصول برنامه چهارم توسعه (اصل ۲۸-۳۳)**

**الف) دیپلماسی سیاسی (تأمین ثبات سیاسی و منافع ملی):**

**۱- تأمین ثبات سیاسی و منافع ملی (اصل ۲۸):**

به طور کلی تأمین منافع ملی بنیادی ترین اصل سیاست خارجی است که روابط خارجی کشور برپایه آن شکل می گیرد. مکاتب مختلف نظری در حوزه روابط بین الملل که تعارضات گسترده ای در خصوص اصول سیاست خارجی دارند، اصل تأمین منافع ملی را به صورت مشترک مهمترین پایه و مبنای سیاست خارجی می دانند. در همه این مکاتب نظری تأمین منافع ملی با ثبات سیاسی پیوند مستقیمی دارد و مهمترین پیش شرط منافع ملی ایجاد ثبات سیاسی دانسته شده است. (اکبری، ۱۳۸۵: ۵۷)

**۲- حاشیه پررنگ‌تر از متن: حضور ناموفق در سازمان ملل:**

در نخستین سفر و سخنرانی محمود احمدی نژاد در مجمع عمومی یعنی شهریور ماه سال ۸۴ مهمترین موضوع روز ایران روی کار آمدن دولت جدید اصول گرا و حوادث پس از آن بود. در این زمان در صحنه سیاست خارجی ایران و طبعاً در روابط جهان با ایران، مهمترین رویدادها به پرونده هسته ای کشور مربوط بود. پروژه غرب ستیزی سیاست خارجی ایران از مهمترین پیامدهای این سفر بود. جبهه غرب که انتخاب محمود احمدی نژاد را به صلاح خود نمی دید منتظر چگونگی واکنش ایشان در سازمان ملل بود. موضع گیری تند و شدید رئیس جمهوری در نخستین سخنرانی اش در سازمان ملل اقدامات تهدید آمیز جبهه غرب را علیه ایران شدیدتر ساخت به طوریکه ، این فشارها در طی سالهای بعد بیشتر شد. در سفر دوم رئیس جمهور موضوع هولوکاست مطرح شد که این موضوع سرفصل جدیدی در تنش زایی علیه ایران شد. موضوع هولوکاست در سالهای بعد نیز که تبلیغات آن در قالب همایش ها و سمینارهای مختلف از طرف وزارت امور خارجه ادامه یافت دستگاه دیپلماسی ایران را درگیر تنش های گسترده ای ساخت. این مسئله در کنار موضوع پرونده هسته ای ایران که از سال قبل چالش های زیادی را علیه ایران ایجاد کرده بود عملاً کارکرد دستگاه سیاست خارجی ایران را با اخلال مواجه ساخت . در روزهای منتهی به سومین سفر رئیس جمهور به آمریکا باز هم موضوع پرونده هسته ای ایران حاشیه ساز بود و در کنار این مساله حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

شکل‌گیری جنگ سی و سه روزه با پیروزی حزب الله لبنان و تبعات آن بر مناسبات منطقه ای و تاکید تهران به حمایت از سوریه و مقاومت و همچنین تحولات عراق و موضوع مداخله ایران در این کشور بر سخنرانی رئیس جمهور در سازمان ملل تاثیر گذاشت و اثرگذاری آن را در تامین منافع ملی کاهش داد. سال ۸۷ چهارمین سالی بود که محمود احمدی نژاد به آمریکا سفر می کرد تا در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کند. در این سال تحولات داخلی ایران همچنان حول محور برنامه هسته ای ایران می چرخید و در صحنه بین المللی آثار و تبعات جنگ در گرجستان بر مناسبات درون منطقه ای و جهانی کشورها سایه انداخته بود. در این شرایط روابط ایران و روسیه که در قلب تحولات هسته ای ایران قرار داشت روز به روز گرم تر می شد به نحوی که چند سفر از ایران به مسکو و از مسکو به تهران انجام شد. کرملین بارها بر مخالفت خود با تشدید تحریم های ایران و تهدید کشورمان به حمله نظامی تاکید کرد و خود را مدافع دیپلماسی با تهران نشان داد. در این سال حاشیه های سفر رئیس جمهور به آمریکا کمتر بود. رئیس جمهور در سال پنجم در شرایطی راهی آمریکا شد که برای بار دوم به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده بود. این سفر خبرسازترین سفر احمدی نژاد به نیویورک بود. این حضور، سه ماه بعد از انتخابات بحث انگیز ریاست جمهوری دهم و پس از آن صورت گرفت و با حواشی فراوانی همراه شد. انتخاب مجدد وی به ریاست جمهوری که به مذاق غربی ها خوش نیامده بود باعث شد که عده زیادی از حاضرین در جلسه به هنگام سخنرانی رئیس جمهور ایران محل سخنرانی را ترک کنند و پس از آن نیز چالش های زیادی علیه ایران به راه انداخته شد. (تراپی، ۱۳۸۹: ۶۹)

به طور کلی اصول ۲۸ و ۳۲ برنامه چهارم توسعه حضور پایدار در سازمانهای بین المللی را برای معرفی فرهنگ ایرانی و نیز ایجاد ثبات سیاسی در کشور مورد توجه قرار داده اند. مطالعات نشان داد که حضور دستگاه دیپلماسی در سازمانهای بین المللی در طی برنامه چهارم توسعه به لحاظ کمی مناسب بود اما چالش های پیرامونی این حضورها عملاً اثرگذاری آنها را در راستای تامین منافع ملی و ثبات سیاسی تقلیل داد.

### ۳- جنبش عدم تعهد: ناتوانی در اثرگذاری بر نظام بین الملل:

یکی از حوزه های که در راستای بازتعریف روابط سیاست خارجی دولت نهم با غرب در برنامه چهارم توسعه مورد توجه قرار گرفت، ارتباط با کشورهای در حال توسعه جنوب به نمایندگی جنبش عدم تعهد بود. مطالعه سطح روابط دستگاه دیپلماسی ایران با این جنبش نشان می دهد که این جنبش علیرغم حضور طیف گسترده ای از کشورها در آن پتانسیل لازم را برای اثرگذاری نظام بین الملل نداشته است. در طی سالهای برنامه چهارم توسعه غیر از موارد محدودی در خصوص پرونده هسته ای ایران (که آن هم از اثرگذاری عمیقی برخوردار نبود) این جنبش نتوانست خواسته های سیاست خارجی ایران را تامین کند. جنبش عدم تعهد همواره ظرفیت های بالقوه های برای سیاست خارجی ایران داشته است. ۱۱۸ کشور جهان در این جنبش عضویت دارند که نزدیک به دوسوم اعضای سازمان ملل است؛ ثانیاً، اصول بنیادین جنبش عدم تعهد نظیر برابری تمام ملتها اعم از بزرگ و کوچک، احترام به عدالت بین المللی متناسب با اهداف سیاست خارجی دولت نهم است (عبدالرشیدی، ۱۳۶۵، ۲۶).



## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

یکی دیگر از اهداف سیاست خارجی دولت نهم در تعامل با جنبش عدم تعهد، استفاده از ظرفیت های آن در پرونده هسته ای بود. در پی بن بست حاصل از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل و صدور قطعنامه های مکرر مبنی بر تحریم ایران، جمهوری اسلامی تلاش نمود از نقش تعدیل کننده این کشورها بهره گیرد. کشورهای غربی همواره در تلاش بودند نگرانی های خود در خصوص پرونده هسته ای ایران را در قالب نگرانی های جامعه جهانی جلوه دهند. لذا دولت نهم با بهره گیری از ظرفیت جنبش عدم تعهد می توانست از شکل گیری اجماع علیه خود جلوگیری نموده، تهدیدات کشورهای مزبور را غیرمشروع سازد و قدرت چانه زنی خود در مذاکرات را افزایش دهد. به عنوان دستاوردهای دیپلماتیک ایران در جنبش عدم تعهد می توان به بیانیه های مشترک وزرای امور خارجه تروئیکای عدم تعهد در نوامبر ۲۰۰۵ در تهران و ۲۰۰۶ در آفریقای جنوبی، بیانیه وزرای امور خارجه جنبش در مه ۲۰۰۶ در مالزی، بیانیه سران کشورهای جنبش عدم تعهد در سپتامبر ۲۰۰۶ در کوبا اشاره کرد. به طور کلی این شواهد و مستندات نشان می دهد که جنبش عدم تعهد به عنوان یک سازمان فرامنطقه ای و علیرغم گستردگی جغرافیایی و عضویت تعداد زیاد کشورها، اثرگذاری فرامنطقه ای نداشته است. کشورهای عضو این جنبش دولتهای درحال توسعه ای هستند که قدرت چانه زنی زیادی در مقابل کشورهای قدرتمند ندارند. این کشورها هیچکدام در عرصه های بین المللی تاثیرگذار مثل سازمانها و اتحادیه های مهم جهانی صاحب کرسی نیستند. علاوه بر این، از منظر رویکرد سازه انگاری جنبش عدم تعهد نتوانسته است سازه های مشترک فرهنگی و سیاسی بین کشورهای عضو ایجاد کند، از همین رو، گاهاً در خصوص مسائل مهم بین المللی اجماع لازم بین آنها شکل نمی گیرد. دستگاه دیپلماسی ایران در طی برنامه چهارم توسعه اقدامات گسترده ای برای استفاده از جنبش عدم تعهد در سیاستهای بین المللی خود انجام داد ولی مطالعه حاصل از نتایج آنها نشان می دهد که این جنبش عملاً قدرت اثر گذاری لازم را برای مسائل بین المللی ایران نداشته است.

### ۴- سازمان کنفرانس اسلامی: کم اثر در سیاست خارجی ایران:

سیاست خارجی دولت نهم در طی برنامه چهارم توسعه باتوجه به هویت اسلامی خود به رهگیری از ظرفیت های سازمان کنفرانس اسلامی را در جهت تأمین منافع ملی در دستور کار قرار داد اما شواهد نشان می دهد که این سازمان عملاً نتوانست منافع ملی ایران را در سطح منطقه ای و جهانی برآورده سازد. مطالعه اقدامات دستگاه دیپلماسی ایران در خصوص ارتباط با سازمان کنفرانس اسلامی نشان می دهد که به لحاظ کمی طیف این اقدامات گسترده بوده است. در مهمترین این اقدامات محمود احمدی نژاد در سه نشست سازمان در مکه مکرمه (دسامبر ۲۰۰۵، عربستان سعودی)، پوتر اجایا (آگوست ۲۰۰۶، مالزی) و داکار (مارس ۲۰۰۸، سنگال) شرکت کرد و از این فرصت برای طرح ایده های خود در خصوص مسائل بین المللی و جهان اسلام استفاده کرد. اما سازمان کنفرانس اسلامی در طی برنامه چهارم در راستای اجرایی شدن اصول این برنامه کارساز نبوده است. تشکیل قطب کشورهای اسلامی که در اصل ۳۱ برنامه مورد تاکید قرار گرفته است مهمترین اصلی است که به سازمان کنفرانس اسلامی در برنامه های دستگاه دیپلماسی ایران موضوعیت می دهد. علاوه بر این، نفوذ در جهان اسلام و گسترش همکاریهای منطقه ای و چند جانبه که در اصول ۳۰ و ۲۸ مورد تاکید برنامه هستند، اهمیت سازمان کنفرانس اسلامی را در سیاستهای دیپلماسی

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایران نشان می‌دهند. اما آنچه پیداست در طی برنامه عملاً سازمان کنفرانس اسلامی این اهداف را برآورده نکرده است.

### ۵- پیگیری منافع ملی در محیط سیاسی - امنیتی پیرامونی:

به طور کلی موقعیت، عناصر ژئوپلیتیک، نفوذ و قدرت سخت و نرم ایران همچنان جایگاه این کشور را در خاورمیانه و آسیای مرکزی با اهمیت ساخته است و این وضعیت به خصوص با بازگشت هویت ژئوپلیتیکی به استراتژی های کشورهای در قبال بحران های جهانی در دوره پس از حادثه ۱۱ سپتامبر پررنگ تر شده است (سجادپور، ۱۳۷۹: ۷۲). با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۳ روند تحولات جهانی تغییر کرد و در برخی حوزه ها تعارض سیاستهای دولتها با دوره قبل به شکلی بود که برخی از صاحب نظران دوره جدید را " عصر ضد جهانی شدن" نامیدند. در این دوره تئوریهای لیبرالیستی که از باز شدن فضای سیاسی و اقتصادی و درنور دیده شدن مرزها طرفداری می کردند رنگ باختند و به تدریج نظریه های رئالیستی با تاکید بر پررنگ تر شدن نقش دولت و امنیتی شدن مرزها جایگزین شدند.

آنچه مهم است این است که این روند در دوره جدید به روند معمول سیاستهای غرب در قبال منطقه خاورمیانه و مناطق مجاور آن تبدیل شد. امنیتی کردن منطقه به عنوان هسته اصلی سیاستهای جدید غرب در قبال منطقه خاورمیانه سیاستهای امنیتی ایران را به شدت تحت تاثیر قرار داد. اوج این سیاست ها با دوره برنامه چهارم توسعه و سیاستهای دولت جدید مقارن شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بخش مهمی از سیاستهای خارجی دولت جدید در برنامه چهارم توسعه به شدت تحت تاثیر سیاستهای امنیتی غرب در قبال منطقه بود. آنچه مسلم است اینکه نمی‌توان همه ضعف های سیاست خارجی ایران را در برنامه چهارم به دولت نسبت داد برخی از شرایط و ویژگیهای ساختاری که در اثر سیاستهای جدید جهانی ایجاد شدند عملاً فرصت هرگونه عمل مناسبی را از سوی دستگاه دیپلماسی ایران سلب کردند.

نکته مهم اینکه ایران در قبال سیاستهای امنیتی جدید غرب در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی عملکرد نسبتاً مناسبی داشت. سیاست خارجی ایران در طول برنامه چهارم برای پیگیری منافع ملی خود با استفاده از محیط سیاسی - امنیتی توانست در افغانستان - عراق - سوریه - لبنان و فلسطین عملکرد مثبتی از خود به نمایش گذاشته و با گره زدن تهدید کشورهای مذکور به امنیت ملی خود هم نفوذ خود را در این کشورها و منطقه محکم تر کرده و هم امتیازاتی از کشورهای ابر قدرت مثل آمریکا در راستای تأمین منافع ملی خود بگیرد. طرح آشتی ملی لبنان از سوی ایران، حمایت از غزه از طریق سازمان کنفرانس اسلامی و همچنین نامه نگاری به سازمان ملل و جنبش عدم تعهد و هماهنگی با کشورهای مختلف برای حمایت یکپارچه از مردم فلسطین، برگزاری نشست وزرای امور خارجه کشورهای همسایه عراق، برگزاری نشست ایران و آمریکا در زمینه مسائل عراق و افغانستان همگی نشان دهنده تلاش سیاست خارجی ایران برای بهره گیری منافع ملی کشور از طریق ایجاد محیط سیاسی و امنیتی بوده است.

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۶- عدم موفقیت در استقرار نظم سیاسی مطلوب در محیط پیرامونی و متجانس در منطقه:

هرچند که سیاست خارجی ایران در اجرای سیاستهای امنیتی در محیط پیرامونی و منطقه‌ای خود عملکرد نسبتاً موفق داشته اما یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عملاً در استقرار نظم سیاسی مطلوب در این محیط موفقیت چندانی نداشته است. این مسئله که مورد تاکید اصل ۲۸ برنامه و نیز اصل ۳۱ در راستای تشکیل قطب‌های سیاسی و اقتصادی با کشورهای دوست و اسلامی بوده است در کارنامه اجرایی دستگاه دیپلماسی دولت نمود چندانی نداشته است.

در شرایط کنونی، ترکیه، پاکستان و همسایگان عرب جنوبی، همه در حاشیه امنیتی آمریکا قرار گرفته‌اند و امکان ائتلاف و اتحادی استراتژیک با آنان وجود ندارد در این زمینه حتی جمهوری اسلامی ایران سعی کرده است با احیای سازمان همکاری اقتصادی اکو که نگاه خاص و ویژه‌ای هم در طول برنامه چهارم به آن شده بود به امر ائتلاف سازی همت گمارد که توفیق چندانی نداشته است. حضور آمریکا در افغانستان، همکاری نزدیک امنیتی آمریکا با پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و روابط نزدیک همه این کشورها به اسرائیل جملگی برخلاف ایده‌های همگرایی ایران کار کرده‌اند (سیف زاده، ۱۳۸۹، ۲۷). حوادث و رویدادهایی که در طی برنامه چهارم در محیط پیرامونی ایران از جانب کشورهای همسایه رخ داد نشان دهنده این بود که ایران شرایط و زمینه‌های لازم را برای یک همگرایی منطقه‌ای معطوف به منافع ملی فراهم نکرده است. ادعای جلال طالبانی رئیس‌جمهور عراق نسبت به قرارداد ۱۹۷۵ با ایران و نشانه‌های چشمداشت آن کشور به قلمرو ارضی ایران در سال ۲۰۰۷ که با سکوت برخی از کشورهای همسو با ایران در سطح منطقه مواجه شده بود، طرح ادعاهای ارضی امارات متحده و عراق علیه ایران، مواضع و اقدامات غیر دوستانه رهبران جمهوری آذربایجان، قطع گاز از سوی ترکمنستان به ایران به هنگام اضطراب که هم به سلامت و رفاه مردم ایران لطمه زد و هم به اعتبار بین‌المللی ایران به لحاظ اجبار در توقف صدور گاز به ترکیه، تمهیدات ازبکستان در جلب یک محموله هسته‌ای در حال ارسال از قزاقستان به ایران در مرز در اوایل بهمن ۱۳۸۶، و تیرگی روابط کشورهای عربی و غیر عربی منطقه با ایران در سال آخر برنامه، جملگی نشان از رویایی بودن ایده همگرایی منطقه‌ای ایران در سطح منطقه بوده و بر عدم آمادگی کشورهای منطقه برای همگرایی با ایران دلالت دارند.

بنابراین می‌توان گفت که سیاست خارجی ایران در زمینه استقرار نظم سیاسی مطلوب در محیط پیرامونی موفق عمل نکرده است اما این بدان معنی نیست که تمایل چندانی به همگرایی و ائتلاف نداشته است. سفرهای متعدد رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه به کشورهای همسایه و همچنین حضور سران کشورهای همسایه در ایران در طول برنامه چهارم و همچنین مطرح کردن اولویت اصلی سیاست خارجی ایران به کشورهای همسایه همگی گویای اهتمام و توجه جمهوری اسلامی ایران به این مقوله بوده است. با این وجود سیاست خارجی ایران هنوز نتوانسته است محظورات منطقه‌ای و بین‌المللی که مانع این اهداف می‌شوند را به خوبی مهار کند. در یک جمع بندی کلی باید گفت سیاست خارجی ایران در طول برنامه چهارم اولویت خاصی به کشورهای همسایه و منطقه داشت و تلاش‌های زیادی نیز در راستای بهبود روابط با همسایگان صورت داده است اما علی‌رغم همه تلاش‌های صورت گرفته در جلب

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اعتماد و اطمینان همسایگان در برنامه‌ها و سیاست‌های خود موفق عمل نکرده است. قرار گرفتن ایران شیعی در ماتریس کشورهای سنی حوزه خلیج فارس همواره یکی از میدان‌های مانور کاخ سفید برای اعمال بستر سنگین سیاسی علیه ایران بوده است. مطرح ساختن طرح‌های ایران هراسی، هلال شیعی، خاورمیانه جدید و دیگر طرح‌های ریز و درشت دیگر از سوی بازیگران فرامنطقه‌ای صرفاً راهبردی برای خارج ساختن ایران از میدان بازی یکی از قطب‌های منطقه بوده است. فعال‌سازی دیپلماسی منطقه‌ای عربی ایران آغازی برای شکستن این انسداد تعریف می‌شد. توسعه مرادوات و تعاملات دیپلماتیک با محوریت تهران تلاشی بود که از مبداء سفر احمدی نژاد به ۲ کشور حاشیه خلیج فارس (امارات و عمان) پایانی بر روابط سرد دیپلماتیک تهران و عرب‌های حاشیه خلیج فارس را جستجو می‌کرد. سفری که برای نخستین بار در طول ۳ دهه گذشته منطقه شاهد دیدار یک رئیس‌جمهوری ایران از امارات بود. همکاری با سایر کشورهای خاورمیانه نیز یکی از اولویت‌های وزارت امور خارجه بود. امضای قرارداد ایجاد پالایشگاه مشترک نفت در سوریه با مشارکت ایران، سوریه، مالزی و ونزوئلا و همچنین افتتاح پروژه‌های مشترک ایران و سوریه در زمینه خودروسازی و سیمان از دستور کارهای وزارت خارجه بود. ضمن این که در خصوص عادی‌سازی روابط ایران و مصر نیز دیدارها و تلاش‌های متقابلی از سوی ایران و مصر به منظور رفع موانع و بهبود روابط سیاسی صورت پذیرفت. همه اینها در کنار تحرک دیپلماتیک در ادامه سیاست چرخش تهران به آفریقا، شرق آسیا و گسترش روابط با همسایگان شمالی و سازمان همکاری شانگ‌های نشان از فصلی جدید در سیاست خارجی ایران بود. اما امری که نباید از کنار آن به راحتی گذر کرد این است که در عرصه منطقه‌ای دیپلماسی ایران با سمت مدیریت رقابت دیپلماتیک حرکت کرد. هرچند سیاست تهاجمی با ماجراجویی و جنگ با دنیا تفاوت دارد، اما روشن است دکترین سیاست تهاجمی باید نه در مقابله با منافع دیگران و پیش بردن یک جانبه منافع ملی باشد که باید آن را در همکاری با سایر بازیگران جست و جو کرد. در طول برنامه چهارم توسعه سیاست خارجی ایران تحکیم روابط با کشورهای همسایه را بر مبنای روابط دو جانبه تعریف و پیگیری کرده بود و همین امر با مقاومت و افزایش ضریب حساسیت کشورهای منطقه و بین‌المللی همراه شده بود. یعنی عملاً هیچ‌گونه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی به صورت چند جانبه و با حضور چند کشور مختلف از سوی جمهوری اسلامی ایران در طول برنامه چهارم در سطح منطقه ایجاد نشده بود.

بر این اساس می‌توان گفت مهمترین عوامل ایجاد تنش در سیاست خارجی ایران در برنامه چهارم توسعه عبارت بودند از: ۱- مقابله گرای آمریکایی با ضرورت‌های استراتژیک ایران ۲- سیاست‌های واکنشی دستگاه دیپلماسی ایران در قبال غرب ۳- گفتمان سازی رسانه‌ای در غرب علیه ایران. نخبگان و گرایش‌های سیاسی جدیدی که در این دوره به قدرت رسیدند، بر این اعتقاد بودند که جهان غرب توجهی به تنش زدایی ایران ندارد و آن را نشانه ضعف می‌داند. بنابراین به مقابله گرای با الگوی دولت قبلی مبادرت نمودند و بر شدت تنش‌ها افزودند (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۹). البته این بدین مفهوم نیست که دستگاه دیپلماسی ایران در راستای تنش زدایی اقداماتی انجام نداده است در رویکرد دولت جدید برخی از سیاست‌های دولت قبل به ویژه روابط با غرب، به خصوص رابطه با اروپا مورد تجدیدنظر قرار گرفت و سیاست نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفت. سیاست خارجی ایران با هدف تنش زدایی بیشتر، افزایش سطح همکاری‌های خود با کشورهای جهان و بویژه کشورهای همسایه، کشورهای آفریقایی و

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آمریکای لاتین را در دستور کار قرار داد. مسئولان سیاست خارجی ایران این سیاست را که عنوان سیاست تعامل سازنده داشت ادامه سیاست تنش زدایی می دانستند. از این دیدگاه، تعامل سازنده در سیاست خارجی حتی مرحله ای پیشرفته از سیاست تنش زدایی تلقی گردیده و نیازمند پویایی، تأثیرگذاری و جهت دار بودن براساس شناخت دقیق معادلات سیاسی است.

اما سیاست خارجی ایران علی رغم همه تلاش ها در زمینه تنش زدایی و اعتمادسازی در عرصه بین الملل کارنامه موفق در طول برنامه چهارم نداشته است چرا که در عرصه بین المللی به غیر از کشورهای عضو پیمان عدم تعهد و چند کشور از آمریکای لاتین که در عمل با موضع ممتنع در مقابل ایران داشته اند و یا بی اثر بوده اند اکثر کشورهای موثر جهان در جبهه مقابل ایران قرار گرفته اند (ترابی، ۱۳۸۹: ۴۶). از سوی دیگر در طول برنامه چهارم ما شاهد ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت و صدور چهار قطعنامه علیه ایران و تحریم های گسترده یک جانبه و چند جانبه از طرف برخی از کشورها بوده ایم که هزینه های منفی اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای کشور داشته است و آمریکا هنوز هم در تلاش است تا قطعنامه ها و تحریم های جدیدتر و سنگین تری بر علیه ایران صادر کند. سیاست اتکاء به روسیه و چین و هند هم موفق نبوده است. این سه کشور اگرچه در دوران قبل از تصمیم گیری ها جهت کسب منافع به انحاء مختلف همسویی خود را به ایران اعلام می کنند ولی در عرصه عمل و تصمیم گیری نشان داده اند که در این عرصه به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند. روابط با اتحادیه اروپا و کشورهای عضو همکاری خلیج فارس و به خصوص عربستان که در دوره قبل از روابط خوبی با آنها برخوردار بودیم در دوره جدید و در طول برنامه چهارم به سردی گرایید و این خود نشان از عدم موفقیت دولت در تنش زدایی و اعتمادسازی در سطح منطقه و جهان داشت. تبعات این سیاست نیز خسارات جبران ناپذیری بر وجهه بین-المللی و منطقه ای ایران وارد کرد صدور قطعنامه های پی در پی و تحریم های گسترده از آن جمله اند.

### ۷- ناتوانی در کنترل قدرتهای بزرگ و تهدیدات نظامی:

موضعگیری های تند و شدید در قبال مسائل فلسطین و پرونده هسته ای در طی سالهای اول و دوم برنامه عملاً زمینه ای ایجاد کرد که در آن افزون خواهی های قدرتهای بزرگ و تهدیدات مستقیم آنها بیشتر شد. هر چند که پروسه غرب ستیزی در سیاست خارجی ایران زمینه ای غربی داشت، اما یک برنامه ریزی مدبرانه در دستگاه دیپلماسی ایران می توانست از دامنه آسیب های وارده به منافع ملی بکاهد. غرب ستیزی در سیاست خارجی ایران در دو سال اول برنامه با اقدامات تحریک آمیز ایران بیشتر شد و همین عامل باعث شد طیف کنش های تهدیدات غرب بیشتر شود. هرچند که در واکنش به این اقدامات دستگاه دیپلماسی ایران عملکرد مناسبی داشت ولی به نظر می رسد این شاخص در صورتی می تواند موفقیت آمیز ارزیابی شود که علت اقدامات تهدید آمیز غرب عملکرد نامناسب دستگاه دیپلماسی ایران نباشد.

صدور ۴ قطعنامه بر علیه ایران در سازمان ملل متحد گواه بر این نکته است که سیاست خارجی ایران در اقلان کشورهای تأثیرگذار در مجامع بین المللی از اهداف و برنامه های خود ناموفق بوده است. در ضمن همراهی کشورهای دیگر از تحریم های یکجانبه آمریکا بر علیه ایران نیز در همین راستا ارزیابی می شود. شماری از

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

کشورهای مطرح در عرصه بین‌المللی که در صدور قطعنامه و تحریم بر علیه ایران در طول برنامه چهارم مشارکت داشته‌اند به قرار زیراند: ۱- آمریکا ۲- کانادا ۳- انگلیس ۴- روسیه ۵- اتحادیه اروپا ۶- هلند ۷- بلژیک ۸- آلمان ۹- فرانسه ۱۰- سوئیس ۱۱- امارات عربی متحده ۱۲- مصر ۱۳- ژاپن ۱۴- بحرین ۱۵- چین ۱۶- آذربایجان ۱۷- مالزی ۱۸- هلند و برخی کشورهای دیگر که نقش چندانی در سیاست‌های بین‌المللی ندارند. لذا نمی‌توان با وجود صدور ۴ قطعنامه و تحریم‌های گسترده بر علیه کشور که با همراهی برخی از کشورهای متحد و همسو با ایران صورت گرفته است دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را در زمینه کنترل بازیگران بین‌المللی و تأثیرگذاری بر کنش‌ها و سیاست‌ها و رفتار آنها در جهت اهداف و منافع مطلوب کشور مثبت ارزیابی کرد.

### ۸- محدودیت زدایی در سیاست خارجی ایران: پروژه ای ناموفق:

در نظام بین‌الملل سه دسته از هنجارها وجود دارد که بر سیاست خارجی کشورها از جمله ایران تأثیر می‌گذارد. هنجارهای عام که انتظارات مبتنی بر ارزش یکسان را برای همه کشورها ایجاد می‌کند (مانند حقوق بین‌الملل عمومی، قوانین و قواعد سازمان‌های بین‌المللی و تصمیمات کنفرانس‌ها و رژیم‌های بین‌المللی). دوم هنجارهای خاص که در خصوص بعضی از کشورها به کار می‌رود و همه آنها را شامل نمی‌شود مثلاً هنجارها و رفتارهای رایج سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان آکو، رژیم حقوقی دریای خزر، و سوم، هنجارهایی که نقش‌های اجتماعی مختلفی را تعریف می‌کند و به تبع آن انتظارات متفاوتی را برای کشورها از جمله ایران ایجاد می‌کند. مثل همکاری در زمینه توسعه و هنجارهای شکل گرفته بین کشورهای اعطاکننده و دریافت‌کننده وام (دهقان فیروز آبادی، ۱۳۸۷: ۳۰۲).

بیشترین فشارهای وارده بر جمهوری اسلامی ایران در طی برنامه چهارم توسعه مربوط به مسئله حقوق بشر بود که بر اساس آن برخی از کشورها مثل آمریکا و کانادا به عنوان دو کشور مطرح در این زمینه سعی در کشاندن موارد نقض حقوق بشر ایران به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و از طریق آن فشار بر کشور را دارند. در طول برنامه چهارم توسعه سیاست خارجی ایران برای رفع این محدودیت ساختاری تلاش‌هایی را انجام داد. به طوری که رییس جمهوری ایران دستور تشکیل کارگروهی برای رصد کردن موارد نقض حقوق بشر در آمریکا را داد و همچنین در تریبون‌های بین‌المللی به نقش آشکار حقوق بشر اسرائیل و آمریکا اشاره و موارد و نمونه‌های آنرا مطرح کرد. همچنین در نشست جنبش عدم تعهد در تهران رسیدگی به حقوق بشر کشورهای عضو بر اساس معیار احترام به فرهنگ و ارزشهای فرهنگی کشورهای عضو به عنوان پیشنهاد مطرح شد. در سازمان کنفرانس اسلامی نیز چنین طرحی برای رسیدگی به حقوق بشر کشورهای اسلامی مطرح شد. نگاهی به این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که اقدامات سیاست خارجی ایران در تلاش برای مقابله با گفتمان حقوق بشر جهانی، از طریق سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی و کشورهای مستقل بوده و برای اقناع و اطمینان کشورهای دیگر به موارد نقض حقوق بشر مطرح شده از طرف مجامع جهانی کمتر تلاشی انجام داده است. این مسئله باعث شد که نقض حقوق بشر در ایران در سطح جهانی و بویژه در کشورهای مطرح جهان همچنان بی‌پاسخ بماند. بنابراین می‌توان گفت سیاست خارجی ایران در طول برنامه

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

چهارم نتوانسته بود موفق به خنثی سازی و یا عدم اجماع کشورها در صدور قطعنامه حقوق بشر بر علیه کشور شود و این یکی از ضعف های اساسی دستگاه دیپلماسی بود

اقدام اروپا و آمریکا در آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل و صدور چندین قطعنامه پی در پی و تحریم های گسترده به علیه ایران در طول برنامه چهارم نمونه هایی از محدودیت زدایی است. در این زمینه باید گفت سیاست خارجی ایران اسیر گفتمان هسته ای کشورهای غربی قرار گرفته است. به طوری که درصد عظیمی از توان و پتانسیل سیاست خارجی معطوف به بحث هسته ای شده است. تعداد زیاد نشست های ایران و ۵+۱ و سفرهای متعدد دبیر شورای امنیت ملی ایران و وزیر امور خارجه به کشورهای مختلف دنیا برای اقناع و آگاهی آنان از برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی نشان از محدودیت زایی این گفتمان برای جمهوری اسلامی است (رضایی، ۱۳۹۳: ۸۷). به عبارت دیگر، به نظر می رسد غرب در زمینه گفتمان هسته ای بر علیه ایران تا حدودی موفق عمل کرده است، چرا که بخش عظیمی از پتانسیل و ظرفیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی که می توانست در زمینه دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی صرف شود به بحث پیگیری حقوق قانونی و طبیعی هسته ای کشانده است و سیاست خارجی ایران نیز بی توجه به این اصل، در راستای اهداف آنها حرکت کرده است. البته در سال های پایانی برنامه رییس جمهوری ایران بارها از پایان یافتن بحث هسته ای ایران و بحث مدیریت جهانی سخن گفته بود که به نظر می رسید در راستای خروج از گفتمان هسته ای سیاست خارجی ایران بوده باشد ولی عملاً همچنان بحث پرونده هسته ای ایران باز است.

بحث بعدی برای محدودیت زایی ایران بحث گفتمان مبارزه با تروریسم است که با محور شرارت خواندن ایران در سال ۲۰۰۱ توسط بوش رییس جمهور آمریکا وارد فاز جدیدی شده است. آمریکا مدعی است که ایران مخل صلح در منطقه و به خصوص خاورمیانه است و به کشورهای فلسطین و لبنان و گروه های شیعه در منطقه در زمینه نظامی و فروش و ارسال سلاح کمک می کند و از گروه های تروریستی حمایت می کند. در طول برنامه چهارم از این حربه برای تحت فشار قرار دادن ایران بهره فراوان برده است که یک نمونه آن بحران داخلی یمن و ادعای کمک ایران به الحوثی ها بوده که منجر به سردی روابط ایران و عربستان و حتی برخی از کشورهای اسلامی نیز شده بود. در این زمینه یعنی خنثی سازی برنامه های آمریکا در سطح بین المللی و اسرائیل و عربستان در منطقه سیاست خارجی ایران موفق عمل نکرده است. این سه گفتمان «حقوق بشر»، «تروریسم» و «هسته ای» از طریق سازمان ملل و شورای امنیت بر علیه ایران اعمال می شدند تا اجماع جهانی که برای آن صورت می گیرد را پشتوانه ای بر ادعای کذب خود قرار دهند و این ضعف دستگاه دیپلماسی ایران بوده است که نتوانسته از دستور کار سازمان ملل خارج سازد. اینها پایان کار نبوده اند، تحریم های یک جانبه آمریکا و حمایت برخی کشورها از آن نیز در راستای محدودیت زایی ایران بوده اند. الگوی رفتاری آمریکا نسبت به ایران برپایه سیاست الزام بوده است. ایالات متحده به عنوان هژمونی بین المللی و منطقه ای درصدد بوده است تا از طریق بهره گیری از دیپلماسی قهرآمیز و اعمال فشارهای اقتصادی - تجاری جمهوری اسلامی را به تمکین وادارد. تلاش برای امنیتی کردن فعالیت های هسته ای ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی و ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت و صدور ۴ قطعنامه تاکنون نمودهایی از این سیاست و الگوی رفتاری است. فشارها و اقدامات خصمانه و قهرآمیز آمریکا بر ضد ایران، برپایه

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

منطق هر دو نوع موازنه قوا و تهدید استوار است. از یک طرف، جهت جلوگیری از رشد قدرت ضد هژمونیک جمهوری اسلامی، آمریکا تلاش می‌کند این کشور را از دستیابی به تکنولوژی‌های برتر به ویژه فناوری هسته‌ای بازدارد. از سوی دیگر، استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱ براساس اقدامات پیش‌دستانه و پیشگیرانه تنظیم و تدوین شده است که بیانگر موازنه سازی مبتنی بر تهدید است. یعنی آمریکا بر مبنای نیات و اسیتارهای ضد آمریکایی و هژمونیک جمهوری اسلامی ایران سیاست مهار و محدودسازی آن را در پیش گرفته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۲۱۹). ایالات متحده آمریکا در راستای نیات خود حتی توانسته کشورهایی مثل چین و روسیه را نیز با خود همراه سازد. اجماع و اتفاق نظر قدرت‌های بزرگی مانند روسیه، چین و اتحادیه اروپا به فعالیت‌های هسته‌ای ایران نمایانگر پیروی آنان از سیاست‌های آمریکا است. به گونه‌ای که محدودیت‌ها و فشارهای بین‌المللی برای پذیرش و امضای پروتکل الحاقی از خرداد ماه ۱۳۸۲ و سپس تعلیق غنی‌سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی به شدت افزایش یافته است. علاوه بر آمریکا و اتحادیه اروپا، چین و حتی روسیه به عنوان شریک و همکار هسته‌ای ایران نیز از جمهوری اسلامی خواستند تا محدودیت‌های اعمالی از سوی آژانس را بپذیرد. بر همین اساس، پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع داده شد و قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۸ و... جهت اعمال فشار و محدودیت زدایی برای ایران صادر شده است.

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای محدودیتی زدایی و غلبه بر محظورات موقعیتی، باید راهبرد چندجانبه‌گرایی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای از طریق اتحاد و ائتلاف‌سازی با کشورهای همسو اتخاذ نماید. مهمترین پیش‌شرط و الزام این راهبرد نیز رفع سوء تفاهات و اصلاح برداشت‌ها به وسیله تنش زدایی، همزیستی مسالمت‌آمیز، اعتمادسازی و تعامل سازنده با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل است. ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی عامل موثر دیگری است که می‌تواند از شدت محدودیت‌ها و محظورات سیاست خارجی جمهوری اسلامی بکاهد. ارائه تصاویر مثبت از جمهوری اسلامی، کسب اعتبار و وجه مثبت بین‌المللی و غیرامنیتی کردن کشور نیز از جمله اقدامات و سیاست‌های دیگری است که می‌تواند محدودیت‌های ساختاری و کارگزاری بین‌المللی و منطقه‌ای را کاهش دهد. چون هرچه نظام بین‌المللی و منطقه‌ای و بازیگران فعال در این دو اعتماد بیشتری به جمهوری اسلامی داشته باشند و کشور از وجهه و اعتبار بیشتری برخوردار باشد، محدودیت‌های موقعیتی نیز کاهش می‌یابد.



## ب) اصل ۲۹ برنامه چهارم (دیپلماسی اقتصادی):

### ۱- دیپلماسی غیر فعال در استفاده از منابع اقتصادی مشترک با سایر کشورها :

یکی از مهمترین مسائل دیپلماسی اقتصادی ایران در طی برنامه چهارم موضوع استفاده از منابع مشترک نفت و گاز با بقیه کشورها بود که به نظر می‌رسد عدم تلاش‌های دیپلماتیک مناسب ایران باعث خسارتهای اقتصادی به کشور شده است. موضوع منابع مشترک در همه مناطق جهان یکی از مهمترین مسائل سیاست خارجی است و مسئله مهم در این خصوص تعامل سیاسی مناسب کشورها از طریق گفتگوهای دیپلماتیک است (اکبری، ۱۳۸۵: ۷۲). مطالعه مسائل مطرح در این حوزه برای ایران نشان می‌دهد که سیاست خارجی ایران عملکرد موفق نداشته است. بهره برداری‌های اقتصادی ایران در طی برنامه چهارم در قیاس با سایر کشورهای ذینفع از این منابع نشان می‌دهد که تلاش‌های دیپلماتیک مناسبی برای این امر صورت نگرفته است.

میادین مشترک هیدروکربوری ایران، حجم قابل توجهی از ذخایر قابل استحصال نفت و گاز را در خود جای داده اند. با توجه به برنامه‌های در پیش گرفته شده توسط کشورهای همسایه برای برداشت هرچه سریع‌تر از این ذخایر، ضروری است اهداف و برنامه‌های وزارت نفت برای توسعه میادین مشترک نفت و گاز با شتاب و جدیت بیشتری به مرحله اجرا در آید. مطمئناً اجرای این برنامه‌های تأثیر شگرفی بر بخش انرژی کشور خواهد داشت که اثرات آن در تمام بخش‌های اقتصادی نمایان خواهد شد. در کنار تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های وزارت نفت، مسائلی مربوط به حوزه‌های مشترک نفت و گاز نیز باید در اولویت سیاست خارجی کشور قرار گیرد تا در سایه تعاملات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی با کشورهای منطقه، گرایش سرمایه‌گذاران خارجی برای توسعه میادین مشترک کشور و امکان بهره‌گیری از فن‌آوری‌های پیشرفته افزایش یابد. این امر بی‌شک در شتاب بخشیدن برای رسیدن ایران به قدرت برتر منطقه‌ای موثر خواهد بود. از جمله راهبردهای توسعه و تولید حداکثری از میادین مشترک و پیشرفت در جهت رسیدن به اهداف کلان حوزه نفت، استفاده از الگوهای مناسب و نوین برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اولویت تخصیص منابع داخلی به بهره‌برداری از میادین مشترک، اولویت برنامه‌های اکتشاف در مناطق مرزی اعم از خشکی و دریایی، توسعه و گسترش همکاری‌های دو جانبه و تعامل با کشورهای هم‌جوار در دسترس بهره‌برداری مشترک با رعایت کامل منافع کشور، بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین برای افزایش تولید، توجه به مدل‌های قراردادی و سرعت بخشیدن به برنامه‌های اجرایی توسعه‌ای میادین مشترک با به‌کارگیری توان متخصصان و سازندگان داخلی است.

### ۲- ضعف در دیپلماسی انرژی:

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار در بخش انرژی به خصوص در حوزه نفت و گاز است و طبعاً دیپلماسی انرژی به شدت سیاست خارجی آن را متأثر می‌کند. در طول برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ به طور میانگین در روز حدود ۴۲۰۰۰۰ بشکه نفت تولید داشته است که در برخی

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سال‌ها به ۴۱۰۰۰۰ و در برخی سال‌ها به ۴۴۰۰۰۰ هم رسیده است ولی به طور میانگین می‌توان رقم چهار میلیون و دویست هزار را به طور میانگین برای آن محاسبه کرد. از این میزان تولید چیزی در حدود ۲/۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز صادرات نفت خام ایرانی و چیزی در حدود ۲۵۰ هزار بشکه صادرات فرآورده های نفتی بوده است (مأخذ: وزارت نفت) و در حدود ۴۰٪ صادرات به کشورهای آسیایی و خاور دور (به استثنای ژاپن) و چیزی در حدود ۳۴٪ به کشورهای اروپایی و حدود ۱۸٪ به کشور ژاپن و ۶٪ درصد به کشورهای آفریقایی و درصد ناچیزی در حدود ۲٪ به سایر مناطق جهان صادر شده اند. بنابراین، کشورهای آسیایی به خصوص چین و هند از خریداران عمده نفت خام ایران در طول سال‌های برنامه چهارم بوده اند و کشورهای اروپایی در مرتبه بعدی قرار داشته اند و ژاپن به تنهایی در رتبه سوم قرار دارد. در مجموع صادرات نفت ایران بیشتر قاره آسیا و کشورهای خاور دور را پوشش داده است (آمارهای با کمی تلخیص از بانک مرکزی ایران استخراج شده است).

جمهوری اسلامی ایران در زمینه تولید گاز طبیعی نیز یک روند رو به رشد را از سال ابتدای برنامه تا سال ۱۳۸۹ نشان می‌دهد به طوری که از ۱۰۳ میلیارد مترمکعب در سال ۱۳۸۴ به رقم ۱۳۸ میلیارد مترمکعب در سال ۱۳۸۹ رسیده است (مأخذ: نشریه آماری BP، سال ۲۰۱۰). با این وجود یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دیپلماسی انرژی ایران در طی برنامه چهارم در زمینه صدور و انتقال گاز موفق نبوده است. بخش عظیمی از گاز کشور (چیزی در حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب) مصرف داخلی دارد و چیزی در حدود ۱۴ میلیارد مترمکعب آن سوزانده شده و سهم صادرات کشور در حدود ۴ میلیارد مترمکعب است. (مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران). به طور کلی بخش صادرات گاز برنامه خاص و اصولی از طرف جمهوری اسلامی ایران دنبال نمی‌شود. برای نمونه در اجرای پروژه خط لوله صلح که گاز ایران را به پاکستان و هند وصل می‌کند در طول سال‌های چهارم توسعه برنامه نشست‌ها و مذاکرات متعددی (برخی از آنها با حضور روسای جمهور کشورها) صورت گرفت اما به نتیجه نرسیدند. حتی پروژه انتقال گاز ایران با مشارکت پنج کشور به اروپا نیز در سال ۱۳۸۴ مطرح شد که به سرانجام نرسید. در سال ۱۳۸۴ قرارداد ۲۱ میلیارد دلاری صدور گاز ایران به هند به حالت تعلیق درآمد در همان سال رئیس‌جمهور گرجستان در خبری اعلام کرد که به زودی گاز ایران را تحویل می‌گیرم و بعد از چند روز ایران صادرات گاز به گرجستان را متوقف کرد. قرارداد گازی با شرکت کرسنت و لغو آن از سوی مجلس شورای اسلامی نیز در طی این سالها نشان دهنده ضعف دولت ایران در زمینه دیپلماسی انرژی می‌باشد. مسئله ساخت خط لوله صلح بین ایران و پاکستان و هند نیز یکی از موضوعاتی است که نشانگر ضعف سیاست خارجی ایران در طی برنامه چهارم است. ایران، هند، پاکستان، از مدت‌ها قبل مذاکرات گسترده‌ای را در خصوص خط لوله صلح داشته‌اند اما فشار آمریکا بر هندوستان و پاکستان در خصوص قراردادهای گازی با ایران موجب شد، تا مذاکرات سه طرف در این خصوص به نتیجه نرسد و تحت فشارهای جامعه بین‌المللی و آمریکا، جایگزینی خط لوله تاپی به جای صلح را در پی داشته باشد. منافع ایران در برابر خط لوله تاپی یک حالت برد-باخت و بازی با حاصل جمع صفر بود و عملیاتی شدن آن باعث از بین رفتن منافع ایران از طریق خط لوله صلح شد.

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ۳- دیپلماسی ناموفق در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مقایسه با سایر کشورها :

روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با توجه به آمارهای منتشر شده توسط خود دولت روندی افزایشی را در طول برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد. در این زمینه رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در مصاحبه‌ای که با روزنامه دنیای اقتصاد انجام داده بود، عملکرد جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ را به ترتیب ۱,۶۴۶ - ۱,۶۶۹ - ۱,۶۱۵ - ۳,۰۱۶ و ۲,۷۵۱ میلیارد دلار عنوان کرده است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳ بهمن ۱۳۸۹). وی همچنین در زمینه رشد سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۸ که به بالای سه میلیارد دلار رسیده بود را نسبت به سال قبل دارای یک رشد ۸۴ درصدی دانسته است. اما وی معتقد است که علی‌رغم رشد سرمایه‌گذاری در ایران حجم سرمایه‌گذاری خارجی در مقایسه با کشورهای منطقه قابل قبول نیست. در سال ۱۳۸۸ ایران در شرایطی کمی بیش از ۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی - عمدتاً در بخش نفت را جذب کرد که در همین سال کشور عربستان ۳۵,۵ میلیارد دلار، قطر ۸,۷ میلیارد دلار، ترکیه ۷,۶ میلیارد دلار و لبنان ۴,۸ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده‌اند (همان). همچنین بر اساس گزارش انکتاد، حجم کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی انجام شده در ایران از سال ۱۹۹۰ تا پایان سال ۲۰۰۹ نیز مجموعاً به ۲۳,۹۸ میلیارد دلار رسیده و در میان ۱۴ کشور خاورمیانه ایران از نظر حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این مدت در جایگاه ششم قرار گرفته است. در این منطقه عربستان با ۱۴۷ میلیارد دلار بیشترین رقم و کویت با ۶,۸ میلیون دلار کمترین رقم را به خود اختصاص داده‌اند. مقایسه این آمارها نشان می‌دهد که ایران از نظر حجم جذب سرمایه‌گذاری خارجی فاصله بسیار زیادی با کشورهای منطقه دارد. در این باره رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران سهم ایران از جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کل دنیا را کمتر از نیم درصد می‌داند (روزنامه دنیای اقتصاد).

### ۴- تراز تجاری منفی پیامد دیپلماسی ناموفق:

تراز تجاری به عنوان شاخصی برای ارزیابی وضعیت تجارت خارجی، به نوعی بیانگر کارآمدی و یا ضعف سیاست‌ها و رویکردهای اجرایی است. نگاهی به ارزش صادرات و واردات در طول برنامه چهارم بیانگر رشد منفی تراز تجاری کشور است، بر این اساس ارزش کل واردات در دولت نهم برابر با ۱۸۴ میلیارد دلار و ارزش کل صادرات در این دوره با احتساب میعانات گازی ۷۱ میلیارد دلار و بدون احتساب به میعانات حدود ۵۷ میلیارد دلار بوده است. بر مبنای این امر تراز تجاری کشور در فاصله سال‌های ۸۴ تا پایان سال ۸۷ با احتساب میعانات گازی ۱۱۳ میلیارد دلار و بدون احتساب میعانات ۱۲۷ میلیارد دلار برای ایران منفی بوده است. در این خصوص با ارزیابی ارقام موجود می‌توان گفت که تراز تجاری کشور در شش سال فعالیت دولت احمدی‌نژاد با احتساب میعانات گازی ۱۷۶ میلیارد دلار منفی و این تراز بدون احتساب میعانات بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار منفی بوده است. مسلماً تراز تجاری منفی ۲۰۰ میلیارد دلاری برای کشور را نمی‌توان ناشی از اعمال سیاست‌های کارآمد در حوزه تجارت خارجی ارزیابی کرد. این شاخص به نوعی بیانگر آن است که ایران در طول شش سال، از تجارت خود با کشورهای مختلف دنیا حدود ۲۰۰ میلیارد دلار ضرر کرده است. ارقام

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

فوق به نوبه خود سیاست های اعمال شده از سوی دولت در حوزه تجارت خارجی طی سال های اخیر را زیر سوال می برد، این در حالی است که توسعه صادرات غیرنفتی و مدیریت واردات همواره به عنوان مهم ترین رویکردهای دولت احمدی نژاد مطرح بوده است. از نیمه دوم دهه ۸۰، سیر بی رویه واردات به ویژه واردات کالاهای مصرفی به کشور علاوه بر اینکه بخش های مختلف تولیدی را تحت الشعاع قرار داده و بسیاری از بنگاه های تولیدی را محکوم به تعطیلی کرد، زمینه را برای کاهش صادرات غیرنفتی نیز فراهم ساخت چرا که تولیدات صادرات گرا نیز از جانب واردات با چالش هایی روبرو شدند. اما در سال های برنامه چهارم، سیر حرکت به سمت واردات از کشورهای آسیای جنوب شرقی به ویژه چین که از دهه ۸۰ آغاز شده بود، سرعت گرفت به طوریکه کم کم چینی ها صدر نشین لیست شرکای تجاری ایران تبدیل گشت که حاصل آن کاهش ملموس کیفیت کالاهای وارداتی به کشور بود. با شرایط ایجاد شده، ایران به مرور به بازاری مستعد برای ورود انواع کالاهای غیرکیفی چینی بدل گشت. براساس آمار موجود سهم کالاهای مصرفی از کل ارزش واردات کشور از نیمه دوم دهه ۸۰ به صورت جهشی افزایش یافت. در نیمه نخست این دهه سهم کالاهای مصرفی از کل ارزش واردات در حدود سه میلیارد دلار بود که این سهم در نیمه دوم دهه ۸۰ به حدود هشت میلیارد دلار رسید. تمام آمار و اطلاعات به ثبت رسیده در حوزه تجارت خارجی طی برنامه چهارم، بیانگر کارنامه ضعیف دولت نهم و دهم در این بخش است. می توان مطرح کرد که رشد واردات کالاهای مصرفی و لوکس در این دوران و ورود بی رویه کالاهایی که منجر به از بین رفتن بخشی از توان تولید داخلی شد، به نوعی با شعار دولت عدالت محور در تناقض است ( خبرگزاری کار ایران، ۵ مهر ۱۳۹۰ ).

### ۵- ساده انگاری تحریم های اقتصادی:

تحریم برای دولت جمهوری اسلامی ایران واژه ای آشناست و شاید مهمترین واژه کاربردی در سیاست خارجی ایران باشد. ایران در طی برنامه چهارم بارها مورد تحریم های بین المللی قرار گرفت که مهمترین آنها عبارتند از: دسامبر ۲۰۰۶: شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ای مجموعه تحریم هایی شامل تحریم تأسیسات حساس هسته ای و توقیف دارایی ها و شرکت های ایرانی مرتبط با برنامه هسته ای ایران را به تصویب رساند و به ایران ۶۰ روز فرصت داده شد تا غنی سازی اورانیوم را به حال تعلیق درآورد، هرچند جمهوری اسلامی ایران به این ضرب الاجل توجه نکرد. مارس ۲۰۰۷: دومین مجموعه تحریم های شورای امنیت شامل تحریم های جدید مالی و تسلیحاتی بود. این تحریم ها توقیف دارایی ها را به ۲۸ گروه، شرکت و افراد دیگری که در فعالیت های حساس هسته ای ایران یا تولید موشک ها شرکت داشتند یا از آن حمایت می کردند، افزایش داد. بانک سپه و شرکت های مرتبط با سپاه پاسداران نیز از جمله مؤسساتی بودند که نام آنها در این دور از تحریم ها اضافه شد. این قطعنامه خواستار اجرای فصل ۷ از بند ۴۱ منشور سازمان ملل شد و اجرای بیش تر مفاد آن را با حذف اقدام نظامی، اجباری کرد. ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی: وزارت خزانه داری آمریکا با وارد ساختن اتهاماتی مضحک، لیستی از بانک های ایرانی و تعدادی از نهادها و شرکت های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست تحریم های خود قرار داد و با استفاده از قدرت لابی های صهیونیستی چون تشکیلات «آبیپاک»، بانک جهانی نیز اعلام کرد از دادن خدمات به این بانک ها و مؤسسات خودداری خواهد کرد. مارس ۲۰۰۸: در سومین

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

قطع‌نامه، تحریم‌های سازمان ملل نیز محدودیت‌های مسافرتی و مالی بر افراد و شرکت‌ها افزایش یافت و اجرای برخی از این محدودیت‌ها را اجباری کرد. این قطع‌نامه ممنوعیت جزیی داد و ستد کالاهایی با کاربردهای نظامی و غیرنظامی را گسترش داد و ممنوعیت‌ها، فروش تمامی فن‌آوری‌ها از این دست به ایران را شامل شد. ۱۲ فرد و ۱۳ شرکت نیز به فهرست افراد و شرکت‌های به‌زعم آن‌ها مظنون به کمک به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران، افزوده شدند. پنج‌شنبه ۸ مرداد ۱۳۸۸ (۳۰ جولای ۲۰۰۹): تصویب تحریم شرکت‌های صادرکننده ی بنزین به ایران در مجلس سنای آمریکا. دوشنبه ۴ مرداد ۱۳۸۹ (۲۶ جولای ۲۰۱۰): تصویب دور جدیدی از تحریم‌ها توسط اتحادیه‌ی اروپا و کانادا علیه بخش انرژی و کشتیرانی جمهوری اسلامی.

اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با پدیده‌ی تحریم بیگانه نیست. در طول ۳۳ سال گذشته، اقتصاد ایران همواره با فشارها و محدودیت‌های خارجی مواجه بوده است. این فشارها هرچند هزینه‌هایی را به اقتصاد کشور و روند توسعه‌ای آن تحمیل کرده اما هیچ‌گاه به فروپاشی آن منجر نشده است. برای نمونه در طول برنامه چهارم تحریم‌های گسترده غرب در بخش نفت و گاز ایران و همچنین واردات بنزین اعمال شد ولی در هیچ مورد منجر به فلج شدن کشور نشد. بحث اصلی این است که ساده‌انگاری پیامدهای تحریم از سوی دستگای دیپلماسی در طی برنامه چهارم توسعه باعث شد که واقع بینانه نگرینسته نشود. واقعیت این است که نمی‌توان با نگاه به گذشته و این القا که تحریم‌های گذشته ناکام بوده، رویکرد بی‌تفاوت و ساده‌انگارانه در قبال تحریم‌های جدید در پیش گرفت. دولت و نهادهای دست‌اندرکار، ضمن به‌کارگیری روش‌های دیپلماتیک در عرصه‌ی بین‌المللی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود، باید هرچه بیشتر از گسترش تحریم‌ها و تبدیل شدن آن به اجماع جهانی جلوگیری کنند. از سوی دیگر، مدیریت اقتصادی را باید با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب متناسب با شرایط جدید برنامه‌ریزی و تدبیر کرد. متأسفانه در طی برنامه تلاش‌های دیپلماتیک ضعیفی در زمینه جلوگیری از تحریم‌ها صورت گرفت و بارها چه توسط رئیس‌جمهور و چه مقام‌های وزارت امور خارجه از آن به عنوان کاغذ پاره و سند‌های بی‌ارزش تعبیر شد.

### ۶- دیپلماسی اقتصادی نسبتاً موفق در پروژه‌های اقتصادی، صادرات و حجم مبادلات تجاری با برخی از کشورهای جهان:

به طور کلی سیاست خارجی ایران در طول برنامه چهارم اولویت خاصی به گسترش روابط با کشورهای همسایه، کشورهای آفریقایی و کشورهای آمریکای لاتین داشت و این گسترش روابط (که در طول سال‌های برنامه در سطوح معاونین، وزیر امور خارجه و ریاست جمهوری به این کشورها دنبال شد) زمینه توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایران را در زمینه انجام پروژه‌های اقتصادی فراهم کرد به طوری که موجب حضور گسترده مهندسان و پیمانکاران ایرانی در این کشورها شد. با نگاهی به مقصد صادرات خدمات فنی و مهندسی در طول برنامه چهارم به خوبی می‌توان این حضور را مشاهده کرد. کشورهایی مثل سوریه، افغانستان، عراق، تاجیکستان، امارات متحده عربی، قزاقستان، عمان، آذربایجان، ترکمنستان از همسایگان ایران و کشورهای ونزوئلا، کوبا در آمریکای لاتین و کشورهای سنگال، اتیوپی، زیمبابوه، نیجریه در آفریقا از طرف‌های اقتصادی ایران در طی برنامه چهارم بوده‌اند. پروژه‌های عمده‌ای که ایران در این کشورها به‌مورد اجرا

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

گذشت شامل زمینه های تولید و انتقال نیروی برق، مخابرات، جاده سازی، ساختمان، تعمیر سکوها های نفتی و لوله گذاری دریا، شهرسازی، پروژه، لرزه نگاری، حفاری چاه های نفت و گاز بوده است. اما در مجموع کشورهایی که بیشترین سهم را در این بخش بر عهده داشتند کشور سوریه و ونزوئلا بوده اند. پروژه های اکتشافات نفت و گاز و ونزوئلا، احداث مسکن، احداث کارخانه تراکتور و ده ها پروژه های دیگر در ونزوئلا نشان دهنده حضور پر رنگ ایران در زمینه اقتصادی در این کشور است. همچنین، احداث نیروگاه های متعدد، احداث کارخانه خودروی سمند، احداث مسکن، سدسازی، تولید برق و غیره... در سوریه از این جمله اند. در مجموع سیاست خارجی ایران در راستای صدور خدمات فنی و مهندسی و حضور موثر در پروژه های اقتصادی سایر کشورها در طول برنامه چهارم موفق بوده است.

شواهد نشان می دهد توزیع جغرافیایی صادرات گمرکی کشور در طول سال های برنامه تغییرات قابل توجهی نداشته است. کشورهای امارات متحده عربی، عراق، چین، ژاپن، ترکیه، کره جنوبی، افغانستان، ایتالیا و آلمان شرکای ثابت ایران بوده اند. فقط در برخی سال های جای چین و امارات تغییر می کرد و یا عراق به رتبه دوم ارتقاء می یافت. ولی به طور کلی اصلی ترین شرکای تجاری کشور در زمینه صادرات کشورهای مذکور بوده اند.

توزیع قاره ای صادرات گمرکی کشور نشان دهنده حفظ جایگاه کشورهای آسیایی در میان بازارهای عمده صادرات ایرانی است که در این میان کشورهای همسایه ایران در اولویت بوده و در حقیقت اصلی ترین بازار هدف ایران را تشکیل می دهند. با توجه به ادامه رشد صادرات به قاره آسیا، گرایش حاکم بر بازارهای هدف صادرات گمرکی کشور همچنان به سمت این قاره است. برای نمونه در سال ۱۳۸۴ کشورهای امارات، عراق، هند، ژاپن، چین، افغانستان، کویت، آلمان، آذربایجان، پاکستان جزء ده کشور اول در زمینه صادرات کالا از ایران بوده اند. این طرف-ها در سال ۱۳۸۸ شامل کشورهای عراق، چین، امارات، هند، افغانستان، ترکیه، جمهوری کره، بلژیک، ایتالیا و پاکستان بوده است. این ترکیب با کمی تغییر همان روند را نشان می دهد و صرفاً جابجایی در سطح کشورها اتفاق افتاده است که عراق و چین به سطح بالا و امارات در رتبه سوم قرار گرفته اند و سهم قاره اروپا دو کشور بوده است. بنابراین پس از کشورهای آسیایی کشورهای اروپایی در رتبه دوم و کشورهای آفریقایی در مرتبه سوم قرار داشته اند. در میان کشورهای آمریکای لاتین فقط ونزوئلا جزء ۵۰ کشور اول و بقیه کشورها در مکان های بالا و عمدتاً بعد از ۱۰۰ کشور اول قرار دارند و سهم اندکی در بازار صادراتی ایران داشته اند. بنابراین، می توان گفت بازار هدف صادراتی ایران قاره آسیا و عمدتاً کشورهای همسایه هستند و حضور جهانی و بین المللی آن بسیار کم رنگ است که یکی از دلایل آن را می توان به رقابتی نبودن کالاهای ایران در سطح جهانی و همچنین عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی عنوان کرد.

## ج) دیپلماسی فرهنگی: اصول ۳۰ و ۳۱ برنامه چهارم (نفوذ در جهان اسلام)

### ۱- بی برنامه‌گی دستگاه دیپلماسی در خنثی سازی و اصلاح تصاویر منفی و غیرواقعی از کشور:

یکی از ضعف های سیاست خارجی ایران در برنامه چهارم عدم جریان سازی فرهنگی و گفتمان سازی چه در سطح منطقه و چه در سطح جهان بوده است کاری که در برنامه سوم و با طرح گفتگوی تمدن ها، جمهوری اسلامی را به عنوان کشور محور در بین کشورهای منطقه و مخصوصاً کشورهای اسلامی و چه در سطح جهان به عنوان مبدع این ایده مطرح ساخته بود (خانی، ۱۳۸۴: ۲۱). متأسفانه بسیاری از توان و ظرفیت سیاست خارجی ایران در طول برنامه چهارم به مبارزه با گفتمان هسته ای و مبارزه با غرب اختصاص یافت. در حقیقت دولت احمدی نژاد در مقاومت گفتمانی بسیار موفق و در گفتمان سازی ضعیف بود.

نگاهی به فعالیت های ایران در عرصه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی، نشان می دهد که مجموعه ای از فعالیت ها در حال انجام است که می توان برخی از آنها را در چارچوب دیپلماسی فرهنگی تعریف کرد. فعالیت های رسانه ای ایران و پخش برنامه های فرامرزی و فعالیت شبکه های خبری به زبان های عربی و انگلیسی و دیگر زبان ها، آموزش زبان فارسی در داخل و خارج از کشور هرچند به صورت محدود، فعالیت های فرهنگی سفارت خانه های ایران در کشورهای مختلف و برخی تلاش ها برای جذب دانشجویان خارجی در ایران همگی بخش هایی از فعالیت هایی هستند که در چارچوب دیپلماسی فرهنگی تعریف می شوند. با این حال به نظر می رسد این فعالیت ها به صورتی پراکنده و جزیره ای انجام می شود. سازمان ها و بخش های گوناگون دولتی رأساً و بنابر تعاریف درون سازمانی خود، برخی از این اقدامات را انجام می دهند. در این رابطه به ویژه برنامه جامعی وجود ندارد و اهداف مشخص و کلان بر آن تعریف نشده است. مسلماً هر سیاستی نیاز به استراتژی کلان دارد که در آن بر مبنای توانایی ها، اهداف و روند مشخص تعریف شود. تبادلات فرهنگی پراکنده و یا فعالیت های فرهنگی بر مبنای برخی فعالیت های جانبی وزارت خانه ها و سازمان های دولتی، بدون مشخص بودن اهداف و دستاوردها نمی تواند در راستای تأمین منافع ملی کشور باشد. از اینرو در درجه اول ضرورت دارد تا دستور کار مشخص و مدونی برای دیپلماسی فرهنگی ایران در نظر گرفته شود.

مطالعه اقدامات سیاست خارجی در برنامه چهارم نشان می دهد که این مسئله به عنوان بنیاد دیپلماسی فرهنگی در مجموع فعالیت های دستگاه دیپلماسی کشور بدون برنامه و یا استراتژی مشخصی دنبال شد و از همین رو از فعالیت های پراکنده و بدون هدف نتیجه مناسبی حاصل نشد. چهره به نمایش درآمده ایران در پایان برنامه نسبت به اوایل برنامه نه تنها بهتر و خوش سیما تر نشد بلکه تصویر سازی منفی علیه نظام جمهوری اسلامی به مراتب نسبت به سالهای قبل شدت بیشتری گرفت.

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

## ۲- دیپلماسی فرهنگی حوزه ای فراموش شده در سیاست خارجی:

اگر دیپلماسی را "فن مدیریت تعامل با جهان خارج" توسط دولت ها بدانیم، ابزارها و سازوکارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان به کار گرفت. از آنجا که ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی به طور سنتی سه حوزه بنیادین در مباحث سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد. لذا در عرف نظام بین الملل، سیاست خارجی کشورها با هدف تأمین منافع ملی کشور در سه حوزه پیش گفته طراحی و با سازوکارها و ابزارهایی از همین سه جنس عملیاتی و اجرایی می‌شود. با این همه، به باور بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران علم روابط بین الملل، فرهنگ و مولفه های فرهنگی رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری مواقع لایه های زیرین سه حوزه دیگر نیز از آن منبعث می‌گردد (خانی، ۱۳۸۴: ۲).

جدول - ۱: آمار و ارقام کمی عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران در برنامه چهارم توسعه

اصل ۳۲ برنامه چهارم (سال برنامه)

۱۳۸۴

۱۳۸۵

۱۳۸۶

۱۳۸۷

۱۳۸۸

دیپلماسی فرهنگی (تعداد عملکرد)

۵۱

۸۸

۷۸

۷۸

۵۰

تقویت ایرانیان خارج از کشور

۲۳

۱۰



منبع: اطلاعات مستخرج از روزنامه های ایران، جمهوری اسلامی و برنامه گزارش هفتگی

فرانک نینکوویچ دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم نامه ها و توافقاتی براساس ارزش های مشترک می داند (نینکوویچ، ۱۹۹۶: ۳). این در حالی است که بنابه تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دو طرفه به منظور ایجاد کانال هایی برای معرفی تصویر واقعی از سایر ملت ها و فهم ارزش های آنها (مالون، ۱۹۸۸: ۱۲) و سرانجام، در تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزش، سنتها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت ها و کشورها (کامینگز، ۲۰۰۳، ۱).

با برداشتن تطبیقی از وجوه مشترک این تعاریف می توان چنین نتیجه گرفت که دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است. به عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی آن گاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می پردازد و آن را سیاست خارجی خود لحاظ کند.

با نگاهی به تحلیل آماری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگی، رشد محسوسی را در طول برنامه چهارم می توان مشاهده کرد. به خصوص از سال دوم تا چهارم برنامه که روند رو به رشدی مشاهده می شود و نکته حائز اهمیت در این زمینه کیفیت برنامه ها و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی بوده که در سال های پایانی برنامه از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده است (جدول-۱). اما علی رغم رشد این مقوله در طول برنامه چهارم با نگاهی دقیق تر به عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می شود که اغلب این کارها یا بدون هماهنگی و همگامی سیاست خارجی بوده و یا به صورت مقطعی به مورد اجرا در آمده و پیوستگی و استمرار در مقوله کارهای فرهنگی نبوده است. در حقیقت، اینطور می توان مطرح کرد که به نظر می رسد مقوله دیپلماسی فرهنگی جایگاه خود را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان یک اصل و اولویت اساسی هنوز باز نکرده است و خلاء موجود در این زمینه را می توان به عینه در عملکردهای سیاست خارجی ایران مشاهده کرد. به عبارت دیگر نبود یک برنامه اصولی و مدون در زمینه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی برنامه چهارم مشهود است.

یکی از شاخص های تحقیق و مورد نظر برنامه چهارم میزان موفقیت در انتقال و اشاعه و گسترش حداقل بعضی از جوانب و وجوه فرهنگ و ارزش های بومی کشور به سایر کشور بوده است. اما شواهد نشان می دهد عملکرد سیاست خارجی ایران در طول برنامه چهارم در این زمینه در حد مطلوبی نبوده است و برخی از کارهای محدود

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

انجام گرفته نیز بیشتر معطوف به کشورهای همسایه و عمدتاً کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان بوده است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۸۴).

میزان موفقیت در تبادل اطلاعات و تجربه و تخصص فرهنگی برپایه احترام متقابل با سایر کشورها نیز یکی از شاخص‌های مهم دیپلماسی فرهنگی است که در این زمینه در طی برنامه چهارم کشورهای همسایه، کشورهای آفریقایی و کشورهای آمریکای لاتین در رأس برنامه‌های سیاست خارجی ایران قرار داشتند. در سفرهای رئیس‌جمهور به کشورهای مختلف در طول برنامه چهارم که منجر به معاهدات و امضای اسناد دو جانبه می‌شده یکی از بخش‌های آن در حوزه فرهنگ بوده است و وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی نیز در اکثر سفرها رئیس‌جمهور را همراهی کرده‌اند. در کشورهای همسایه و منطقه فعالیت فرهنگی در کشورهای قزاقستان و قرقیزستان، آذربایجان، قطر، عمان، تاجیکستان و افغانستان از اولویت برخوردار بود و بعد از آن کشورهای قاره آفریقا مثل الجزایر، لیبی و در آمریکای لاتین کشور ونزوئلا در اولویت کارهای فرهنگی دستگاه دیپلماسی ایران بودند. این فعالیتها نشان می‌دهد که دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک حوزه مستقل در سیاستهای دستگاه دیپلماسی ایران در برنامه چهارم مورد توجه نبوده و لذا استراتژی خاصی برای آن تدوین نشده است (همان، ۳۸۵).

### ۳- شدت و ضعف اقدامات سیاست خارجی در تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارجی از کشور در طی برنامه:

یکی از شاخص‌های مهم فرهنگی که در برنامه چهارم توسعه نیز بدان اشاره شده است تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان مقیم خارج است. سیاست خارجی ایران با روی کار آمدن آقای احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ گام‌های اساسی در این زمینه برداشت اما به مرور زمان دچار روندی کاهشی شد. در سال ۱۳۸۴ وزیر امور خارجه ایران در نشستی، ایرانیان خارج از کشور را سرمایه عظیم نیروی انسانی خواند و عنوان کرد که یکی از اولویت‌های اصلی دولت توجه به امور ایرانیان خارج از کشور است (روزنامه ایران، ۱۳۸۴). همچنین رئیس‌جمهوری در نشست شورای عالی ایرانیان خارج کشور بر ایجاد راه‌های مطمئن ارتباط با ایرانیان خارج از کشور تأکید کرد (روزنامه ایران، ۱۳۸۴). وی همچنین در جمع نمایندگان دیپلماسی کشور در سال ۱۳۸۴ تأکید کرد که وزارت امور خارجه باید پایگاه حمایت از همه ایرانیان خارج از کشور باشد (پایگاه اینترنتی دولت، [www.dolat.ir](http://www.dolat.ir)). در همین سال نشست‌های ویژه‌ای برای ایرانیان مقیم خارج در راستای برنامه‌های جدید دولت برگزار شد. در کل همه این تلاش‌ها نشان از دغدغه جدی دولت جدید و تیم سیاست خارجی ایران در حمایت همه جانبه از ایرانیان مقیم خارج بود. از جمله کارهای مهم صورت گرفته در سال ۱۳۸۴ برگزاری مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی در تاجیکستان، تقدیر از دانشجویان زبان فارسی در بلغراد، مراسم بزرگداشت رودکی در تاجیکستان و مهم‌تر از همه اعلام طرح‌های گسترش زبان فارسی در آسیای مرکزی و ساخت واژه‌های جدید زبان فارسی با همکاری پژوهشگران ایرانی، تاجیکستان و افغانستان بود (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۸).

انتظار می‌رفت این اقدامات در سال‌های بعد نیز تکرار شود اما عملاً دچار روندی نزولی شد. با توجه به همه‌ی این مسائل وضعیت ایرانیان خارج از کشور در برخی از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و برخی کشورهای

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اروپایی در سال ۱۳۸۵ دچار مشکلات عدیده ای شد و در صدور ویزا و روادید و تحقیر ایرانیان مقیم این کشورها کارشکنی های زیادی صورت گرفت که از آن جمله محدودیت ویزای کویت برای اتباع ایرانی بود. در سال ۱۳۸۵ تحرکات جدی در زمینه حقوقی برای ایرانیان مقیم خارج صورت گرفته بود که مهمترین آنها تلاش دولت برای حل مشکل تردد دانشجویان ایران مقیم خارج، اجازه خرید سهام در سازمان بورس و اوراق بهادار با ارائه شناسنامه ایرانی برای ایرانیان مقیم خارج از کشور، تقاضای تابعیت ایرانی برای فرزندان زنان ایرانی و پدران خارجی پس از ۱۸ سال سن، ایجاد دفاتر ویژه اقتصادی در پایتخت کشورها برای جذب سرمایه هموطنان در دیگر کشورها و در نهایت تجلیل از چهره های ماندگار ایرانی مقیم خارج توسط وزارت علوم بود (همان، ۱۰۶).

روند کاهش فعالیت های دولت در این زمینه سال ۱۳۸۶ را تنها به ۵ مورد فعالیت در این زمینه رساند که همانند سال قبل بیشتر در راستای ایجاد تسهیلات و قوانین حقوقی در زمینه رفت و آمد، خدمت نظام وظیفه و پذیرش دانشجویان در دانشگاه های ایران بود. در سال ۱۳۸۷ این تلاش ها به ۲ مورد رسیده بود که یکی برگزاری همایش بزرگ ایرانیان مقیم ژاپن و دیگری به کارگیری سرمایه های ایرانیان مقیم خارج در طرح های صنعتی بوده است. اما در نهایت در سال ۱۳۸۸ دوباره یک رشدی در زمینه تقویت ایرانیان خارج از کشور صورت گرفت که مهمترین آن برگزاری همایش بزرگ ایرانیان مقیم خارج از کشور با حضور رئیس جمهوری ایران آقای احمدی نژاد بود. نمونه چنین همایش هایی در آذربایجان، انگلیس و چندین کشور دیگر در این سال برگزار شد و برای اولین بار، راه اندازی قدامین مرکز شبانه روزی رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور ایجاد شد. اما در این سال نیز بی حرمتی-هایی در برخی از کشورها به شهروندان ایرانی روا می شد. در مجموع باید گفت که تلاش های زیادی در طول برنامه چهارم توسعه و از همان ابتدای برنامه در راستای اجرای این شاخص صورت گرفت (همان، جاهای مختلف).

اما با نگاهی به عملکرد سیاست خارجی ایران در زمینه ایرانیان مقیم خارج در طول برنامه چهارم می توان به عینه مشاهده کرد که این شاخص در طول سال های برنامه دارای نوساناتی بوده و در برخی سال ها مورد توجه و در برخی سال ها کمتر بوده است و همچنین اکثر این همایش ها و نشست ها در سال های پایانی سال و در اسفند ماه صورت می گرفته که به نظر می رسد هرگاه سیاست خارجی مشغله کمتری داشته اولویت خاصی به این مقوله می داده است. علاوه بر این، شدت و ضعف این اقدامات ارتباط مستقیمی به برگزاری انتخابات در داخل کشور داشته است. از همین رو دامنه این اقدامات در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ که انتخابات ریاست جمهوری در آنها برگزار شد، بسیار بیشتر از سایر سالهای برنامه بود به طوری که در سایر سالها این حوزه عملاً به فراموشی سپرده می شد. این مسائل نشان می دهد که سیاست خارجی ایران در طی برنامه چهارم برای ساماندهی این حوزه که مورد تاکید اصل ۳۳ برنامه نیز هست، استراتژی هدفمند و مشخصی نداشته است.

### ۴- نفوذ در جهان اسلام: اصول ۳۰ و ۳۱

اصول ۳۰ و ۳۱ برنامه چهارم که به اتحاد با کشورهای اسلامی اشاره دارند در برنامه چهارم توسعه به طور ناقص برآورده شدند. اکثر فعالیتهای دیپلماتیک ایران در خصوص کشورهای اسلامی مربوط به چهار کشور لبنان و فلسطین و عراق و افغانستان بود و عمدتاً در واکنش به سیاست های خشونت آمیز جبهه غرب اتخاذ شد. به نظر می رسد

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایران خارج از این فعالیت ها برنامه مدون و منسجمی برای نفوذ در این کشورها و تشکیل قطب و یا بلوک کشورهای اسلامی نداشته است.

در مجموع ، عمده تلاشهای دیپلماتیک ایران در این حوزه مربوط به بحران غزه و حمایت از مردم فلسطین بود که به علت اجماع نظر جامعه جهانی در خصوص برحق بودن فلسطینیان جایگاه دخالت مشروع ایران در آن تا اندازه ای ارتقا یافت. تلاشهای ایران در عراق نیز در طول برنامه چهارم در واکنش به بحرانهای اتفاقی این کشور بود. در سایر جاها ایران عملاً برنامه منظم و مدونی برای تشکیل قطبی از کشورهای اسلامی و راهکار و یا راهبردی برای اعمال نفوذ و ترویج ایده ها و ارزشهای انقلاب در آنجا نداشت. بنابراین به نظر می رسد در برنامه های دستگاه دیپلماسی ایران برنامه مدونی برای پیش برد این اصل وجود نداشته است. اما تا آنجا که به فعالیتهای دستگاه دیپلماسی ایران در طول برنامه چهارم در راستای اصول ۳۰ و ۳۱ برنامه مربوط است باید گفت که عملکرد سیاست خارجی در طول برنامه نتوانسته است این اصول را برآورده سازد. بطوریکه ، دامنه فعالیتهای آن هم به لحاظ کمی و هم کیفی نسبت شاخص های دیگر در سطح پایین تری قرار دارد(افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۸۵).

## نتیجه گیری

نتایج و یافته های حاصله از پژوهش حاکی از آن است که در بین شاخصهای ده گانه اصل ۲۸ برنامه چهارم، سیاست خارجی ایران فقط در برخی از مواردی که مربوط به حمایت از فلسطین و مقابله با افزون خواهی قدرتهای بزرگ و مقابله با تک قطبی شدن جهان است موفق بوده است، و در موارد دیگر عملکرد قابل قبولی نداشته است. لذا هرچند که ثبات سیاسی مورد نظر اصل ۲۸ در عملکردهای سیاست خارجی ایران برآورده نشد، با این حال ، نمی‌توان آن را کاملاً منفی ارزیابی کرد. اصل ۲۹ برنامه چهارم که مربوط به دیپلماسی اقتصادی است در بین اصول شش گانه برنامه موفقیت آمیز ترین اصل در عملکردهای سیاست خارجی ایران در طی سالهای برنامه بوده است. غیر از اصل ۲۹ سیاست خارجی ایران در اجرای اصل ۳۳ برنامه چهارم که معطوف به تقویت هویت ایرانیان خارج از کشور می باشد نیز نسبت به سایر اصول تا اندازه ای عملکرد مناسبی داشته است. یافته های تحقیق نشان داد که دستگاه دیپلماسی ایران در اجرای اصول ۳۰ و ۳۱ برنامه که مربوط به نفوذ ایران در جهان اسلام است و همچنین اصل ۳۲ برنامه که دیپلماسی فرهنگی را در نظر دارد ناموفق بوده است.

سیاست خارجی، همانند هر سیاستی، در جهت تحقق بخشیدن به اهداف خاصی که دولتها برای خود تعریف می کنند، هدایت می گردد. به ثمر رسیدن این اهداف نیازمند ارائه راهبردهایی است که متناسب با آن اهداف، زمینه شکوفایی آنها را فراهم آورند. راهبرد یا استراتژی به طرح عملیاتی دراز مدتی گفته می شود که بمنظور دست یابی به یک هدف مشخص، طراحی شده باشد. در حقیقت، راهبردها مسیر تحقق اهداف را مشخص می سازند. در این بخش، راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس یافته های تحقیق و همچنین اصول ششگانه موجود در برنامه چهارم مطرح شده است. این راهبردها شامل ۱- شناسایی مناطق استراتژیک و نقاطی که در چشم انداز آینده

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دنیای اثرگذار خواهند بود؛ ۲. تهیه چند طرح جامع، با تمرکز بر نقاط مهم جهان، برای حضور همه جانبه در آن مناطق؛ ۳- افزایش سطح همکاری های سیاسی، اقتصادی و... با کشورهای مستقل و همسوی؛ ۴. تلاش برای گسترش فعالیت سازمانهایی مانند اگو و گروه دی ۸؛ ۵. تأسیس اتحادیه های سیاسی، اقتصادی و... که همه یا اکثر کشورهای منطقه را دربرگیرد؛ ۶. استفاده از ظرفیت های سازمان کنفرانس اسلامی، عدم تعهد و... برای مقابله با سیاست های امپریالیسم. ۷. طرح اندیشه های بنیادین و پویای اسلامی در مناسبتهای مختلف منطقه‌ای و بین المللی با تأکید بر نقاط مشترک؛ ۸. تسهیل شرایط جذب نخبگان مسلمان در مراکز آموزش عالی کشور؛ ۹. تلاش های دیپلماتیک جمهوری اسلامی با کشورهای مستقل برای افزایش اعضای دائم شورای امنیت؛ ۱۰. همسو کردن کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش غیر متعهد برای تغییر ساختار سازمان ملل و مشارکت جمعی در مدیریت جهانی؛ ۱۱. سرمایه گذاری در امور رسانه ای و هنری (تولید فیلم و...) با هدف صدور آرمانهای انقلاب اسلامی؛ ۱۲. انجام مطالعات راهبردی و تبیین راهکارهای مناسب در زمینه نیازهای فرهنگی- دینی ایرانیان مقیم خارج از کشور به ویژه جوانان ۱۳. تدوین و انتشار کتب، نشریات مناسب و ساخت مستند و ماهنگ های ضروری به منظور تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی.

با توجه به راهکارهای پیشنهادی که از یافته های تحقیق حاضر به دست آمده اند باید اذعان کرد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در صورتی موفق خواهد بود که جهت گیری و راهبرد متناسب و مناسب با منافع ملی و شرایط داخلی و بین المللی را اتخاذ نماید. راهکارهای پیشنهاد شده در بالا بر اساس مدیریت خرد سیاسی مطرح شده اند اما در زمینه مدیریت کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید یاد آور شویم که با توجه به موقعیت جمهوری اسلامی بهترین استراتژی و راهبرد برای سیاست خارجی ایران راهبرد عدم تعهد و راهبرد اتحاد و ائتلاف است. به عبارت دیگر عدم تعهد به نظام سلطه و کشورهای زورگو و اتحاد و ائتلاف با کشورهای اسلامی و مستقل دنیا. بر همین اساس تمام راهبردهای سیاست خارجی ایران که در بالا مطرح شده اند باید در جهت و همسو با این دو راهبرد کلان سیاست خارجی پیگیری گردند.

### منابع

- اکبری، علیرضا، (۱۳۸۵)، تعامل برتر منطقه ای بر پایه سند چشم انداز، همایش ملی سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴، تهران.
- افضلی، رسول، وحید کیانی (۱۳۹۱)، بررسی میزان تحقق سیاستهای کلی مناسبات سیاسی و روابط خارجی کشور و وضعیت آن با کشورهای جهان طی برنامه پنجساله چهارم توسعه به تفکیک سالهای برنامه، کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)
- پایگاه اطلاع رسانی دولت [www.dolat.ir](http://www.dolat.ir)

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری [www.prident.ir](http://www.prident.ir).
- پایگاه اطلاع رسانی وزارت امور خارجه ایران [www.mfa.gov.ir](http://www.mfa.gov.ir).
- پورتال گمرک جمهوری اسلامی ایران [www.irica.gov.ir](http://www.irica.gov.ir).
- ترابی، طاهره (۱۳۸۹)، تنش زدایی نامتوازن در سیاست خارجی ایران ۱۳۶۷-۸۸، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم، پاییز.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر، (۱۳۸۵)، تعامل اقتصاد و سیاست خارجی در ج، ا، ا، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سال ۵، ش ۱۹.
- خانی، محمد حسن (۱۳۸۴)، دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- خبرگزاری فارس، ۱۹ مهرداد ماه، ۱۳۹۰.
- خبرگزاری کار ایران، ۵ مهر ۱۳۹۰.
- خبرگزاری کار ایران، ۶ شهریور ۱۳۸۸.
- خبرگزاری مهر، ۷ دی ۱۳۸۸.
- حسینی، سید محمد علی، (۱۳۸۶)، بررسی مولفه های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، گزارش جمهور، ش ۶-۷-۱۰.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۴)، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: روزنامه ایران، موسسه انتشاراتی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش تولید علم: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- رضا سیمبر (۱۳۸۸)، ایران و منطقه‌گرایی در آسیای جنوب غربی: راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی ایران، دو فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۷ و بهار ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۲۸.

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- رضائی، روح اله (۱۳۸۹)، چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران نشر نی.
- روزنامه ابتکار : ۱۳۸۷/۰۹/۲۳.
- روزنامه ایران از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۹.
- روزنامه جام جم ، ۴ خرداد ، ۱۳۸۹).
- روزنامه جمهوری اسلامی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹.
- روزنامه دنیای اقتصاد ، ۱۳ بهمن ۱۳۸۹.
- سایت سازمان توسعه و تجارت ایران [www.tpo.ir](http://www.tpo.ir).
- سجادیپور، سید محمد کاظم (۱۳۸۱)، سیاست خارجی ایران: چند گفتار در عرصه های نظری و عملی، تهران، نشر وزارت امور خارجه.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف-زاده، حسین (۱۳۸۹)، همگرایی منطقه ای در سیاست خارجی ایران؛ با نگاهی به آسیای جنوب غربی، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره پنجم.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آرشیو برنامه گزارش هفتگی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹. Cached.
- عبدالرشیدی، علی اکبر (۱۳۶۵)، جنبش عدم تعهد از آغاز تا سال ۱۹۸۵، تهران، انتشارات سروش.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل؛ تهران، انتشارات سمت.
- متقی، ابراهیم، زهره پوستینچی (۱۳۸۹)، الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم: دانشگاه علوم انسانی مفید.
- منصوری، جواد (۱۳۶۵)؛ نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه انتشارات امیر-کبیر.
- نشریه آماری BP، سال ۲۰۱۰، [www.bp.com](http://www.bp.com).
- هوارت ، دیوید (۱۳۷۸)، «نظریه گفتمان» در دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

- Cummings, Milton C. Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey. -  
(Washington DC: Center for Arts and Culture, (2003  
.j.m.mitchell,) 1986(, International cultural relations, London: new and unwin -
- Malone, Gifford D. (1988). Political Advocacy and Cultural Communication: -  
Organizing the Nation's Public Diplomacy. University Press of America
- Buzan, Barry, (1998), Ole Waver and Jaap de Wilde, Security: A new Framework for -  
(Analysis, (Boulder: Lynne Rienner co  
:Taylor, Peter, J. (2004), World city Network: a Global Urban Analysis, London -  
.Rutledge
- Woods, Ngair, (2000), The Political Economy of Globalization, London, Macmillan. -